

اشاره

دولت نهم، کاهش تورم و کاهش نرخ سود بانکی را به صراحت به عنوان اولین راهکارهای بهبود وضعیت اقتصادی کشور در برنامه اولیه خود قرار داد و رییس‌جمهور هم برای تحقق این اهداف به طور خاص بر روی پروژه اصلاح سیستم بانکی انگشت گذاشت و ضمن تاکید بر سیاست حذف نرخ سود و هدفگذاری نرخ بهره صفر، دو گروه را مامور کرد: شورای بازنگری در قوانین نظام بانکی کشور، و کارگروه تحول رفتاری نظام بانکی کشور. و بعد هم به کرات از صاحب‌نظران کمک خواست تا در راستای تحقق این هدف یاری‌اش کنند.

در نگاه کلی، سناریوی جالب توجهی است، ولی وقتی که اندازه مشکلات را با قدوقواره مشکل‌گشاها مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که سناریو کمی هم نمکین و سرگرم‌کننده است، چرا که گفته‌اند: بدون شوخ‌طبعی، یک دهه آب‌نبات‌فروشی را هم نمی‌توان اداره کرد، چه رسد به یک کشور!

به‌هرحال، موضوع ویژه این شماره، پاسخ مثبتی است به این درخواست که از سوی سه نفر از اقتصاددانان صاحب‌نام کشورمان در قالب سه مقاله با عناوین زیر ارائه شده است:

(۱) اصلاح شبکه بانکی با اهرم کاهش نرخ بهره - از دکتر بیژن بیدآباد.

(۲) ناکارآمدی سیاست‌های پولی انترزاعی - از دکتر محمود جامساز.

(۳) معمای سیاستگذاری نرخ بهره در نظام بانکی کشور - از دکتر غلامحسن عیبری.

مقالات و رهنمودهای دیگری هم در راه هستند.

بانک و اقتصاد

اصلاح شبکه بانکی با اهرم کاهش نرخ بهره

بررسی سیاست کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی

دکتر بیژن بیدآباد^(۱)

چکیده بانکی را به عنوان یک سیاست کاملاً انبساطی در اقتصاد ایران ارزیابی می‌نمایند.

از سوی دیگر، دولت وقتی قادر به حصول اهداف کنترل تورم و افزایش رشد و رفاه و درآمد خواهد بود که ساختار پولی و بانکی کشور را از ریشه متحول کند. بانک مرکزی پس از گذشت حدود سه دهه در کنترل تورم ناموفق بوده است، بنابراین، سیاست کاهش نرخ بهره به عنوان ابزاری که بانک مرکزی و سایر نهادهای مالی را متحول می‌سازد، قابل‌ارزیابی است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که بانک‌ها ظرفیت تحمل کاهش نرخ بهره به میزان چهار درصد را هم ندارند. فشار کاهش نرخ بهره اجباراً باعث می‌شود تا بانک مرکزی سلسله اقداماتی را در جهت اعمال سیاست‌های جدی انقباضی پولی به‌عمل آورد.

ضرورت طرح شیوه‌های تامین مالی جدید از سوی بانک مرکزی، دولت و مجلس، در شرایط فعلی کشور می‌تواند از جمله

برای ارزیابی آثار کاهش نرخ بهره بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی در اقتصاد ایران، از الگوی اقتصادسنجی کلان ایران که وسیع‌ترین الگوی اقتصادسنجی جامعی است که برای اقتصاد کلان ایران طراحی و حل شده است، کمک می‌گیریم. با استفاده از این الگو، نرخ بهره تسهیلات بانکی را در سناریوهای مختلفی کاهش داده و سپس اقدام به شبیه‌سازی الگو می‌نماییم. این شبیه‌سازی آثار اجرای این سیاست را بر اقتصاد ایران نشان خواهد داد.

در مجموع شبیه‌سازی‌ها نشان می‌دهند که کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی سبب افزایش سرمایه‌گذاری، تولید، مصرف و اشتغال شده و از سوی دیگر، سطح عمومی قیمت‌ها، نرخ برابری ارز، نقدینگی و نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی را نیز افزایش می‌دهد. شبیه‌سازی‌ها، سیاست کاهش نرخ بهره تسهیلات

دولت وقتی قادر به کنترل تورم و افزایش رشد و رفاه و درآمد مردم خواهد بود که ساختار پولی و بانکی کشور را از ریشه متحول کند.

می‌شود؛ و در مجموع کاهش نرخ بهره، افزایش اشتغال و به تبع آن افزایش درآمد، تولید و عرضه را سبب می‌شود که این امر نهایتاً افزایش رفاه جامعه را به دنبال خواهد داشت.

هدفگذاری نرخ بهره صفر در سیاستگذاری‌های اقتصادی، مانند سایر کشورها، یک امر لازم است و اگر نرخ بهره پایین بیاید، با افزایش سرمایه‌گذاری، بنیه اقتصاد و تولید در کشور تقویت شده و بعد از چند سال، فراوانی کالاها و خدمات تولیدشده سبب ارزانی و رفاه می‌شود. اگر تمایل به افزایش رشد و رفاه در دولت وجود داشته باشد، الا و لابد باید با اصلاح شبکه بانکی به دنبال رسیدن به نرخ بهره صفر باشند. این مقاله نشان می‌دهد که آثار کاهش نرخ بهره تسهیلات می‌تواند به عنوان آثار قابل قبول و مناسبی برای رشد و توسعه اقتصاد کشور تلقی شود. سناریوهای مختلف در حوزه کاهش نرخ بهره از یک تا چهار درصد در سال، همگی مویب این امر است که کاهش نرخ بهره تسهیلات، اثرات بسیار مطلوبی بر متغیرهای کلیدی اقتصاد کشور برجای می‌گذارد. از سوی دیگر، نرخ بهره بانکها در ایران از لحاظ بین‌المللی بالا است؛ بنابراین، باید به هر طریق آن را به نرخ‌های پایین بین‌المللی نزدیک کرد. سیستم بانکی در کشور ما اگر بخواهد فعل و انفعالات مالی و تعامل بین‌المللی صحیحی را برقرار کند، باید نرخ بهره را در حد بین‌المللی تنزل دهد، لذا باید سیاست هدفگذاری نرخ بهره صفر در دستور کار دولت و بانک مرکزی قرار گیرد.

اگرچه دخالت مقامات اقتصادی و دولت در تعیین نرخ بهره برای بانکها سیاستی بخشنامه‌ای است و علی‌القاعده اینگونه سیاستها، سیاست‌های اصولی نیستند؛ و بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار و سایر مقامات پولی باید با مکانیزم‌های طبیعی - و نه دستوری - اقتصاد را تنظیم کنند، به طوری که برای اعمال سیاست‌های کاهش نرخ بهره بسیار مناسب می‌بود که با اجازه ورود بانک‌های داخلی و خارجی به صحنه بازار پولی و بانکی کشور، اقدام به ایجاد رقیب برای بانک‌ها می‌کردند تا بدین طریق، بانکها در عرصه رقابت ملزم به کاهش نرخ بهره می‌شدند، ولی متأسفانه سیاست‌های اصولی از این دست در عمل با مقاومت شدید انحصارات بانکی در ایران مواجه است و لذا سیاست دستوری و الزام بانکها به کاهش نرخ بهره، جایگزین خوبی برای متحول کردن سیستم بانکی است. در این ارتباط، باید گفت که بازار بانکی ایران تبدیل به یک بازار انحصاری دوقطبی شده که در یک قطب آن، بانک‌های دولتی و در قطب دیگر، بانک‌های خصوصی قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر، صندوق‌های قرض‌الحسنه هم بدون ضوابط نظارتی، فعالیت شدیدی را دنبال می‌کنند.

بررسی ساختار بانک‌ها در ایران، نشان‌دهنده فعالیت بانکها به صورت یک کارتل است و تشکیلات به‌وجودآمده به

اجازه صدور اوراق مشارکت توسط بخش خصوصی برای تامین مالی سرمایه‌گذاری‌های این بخش، اجازه فعالیت بانک‌های خارجی در کشور، اجازه ورود بانک‌های جدید به صحنه بازار خدمات بانکی، و گشودن حساب سرمایه برای ورود منابع خارجی به داخل کشور باشد که تا قبل از اجرای سیاست کاهش نرخ بهره، نهادهای مالی کشور با آنها موافق نبودند، ولی در حال حاضر، ناگزیر به پذیرش این روش‌ها هستند. لذا باید گفت که تحقق اصلاحات در شبکه بانکی کشور، می‌تواند با اهرم کاهش نرخ بهره به اجرا نزدیکتر شود.

مقدمه

تحقیقات زیادی در اقتصاد ایران صورت گرفته حاکی از آن که تورم موجود در کشور، پدیده‌ای پولی است. وقتی ریشه تورم حجم پول باشد، هیچ چاره‌ای جز کنترل حجم نقدینگی برای رفع تورم نخواهیم داشت. با توجه به این موضوع، دولت وقتی قادر به کنترل تورم خواهد بود که ساختار پولی و بانکی کشور را از ریشه متحول سازد. لذا باید بانک مرکزی، شبکه بانکی، قوانین پولی و سیاست‌های مالی و ارزی کشور بازبینی و مجدداً طراحی شوند. در این صورت، می‌توان بانک مرکزی‌ای داشت که توانایی کنترل حجم نقدینگی را داشته باشد؛ در غیر اینصورت، کنترل تورم از حد شعار فراتر نخواهد رفت. بانک مرکزی پس از گذشت حدود سه دهه هنوز در کنترل نرخ تورم ناموفق بوده است؛ بنابراین، از این حیث به بانک مرکزی انتقاد وارد است، زیرا به طور عملی نتوانسته سیاست‌های پولی صحیحی را در کنترل تورم به‌کاربندد. بانک مرکزی متولی اصلی کنترل تورم است، ولی سیاست‌های نادرست بانک مرکزی که ناشی از ساختارهای قانونی مانند قانون عملیات بانکی بدون ربا و ساختار کهنه بانک مرکزی است، سبب شده است که این بانک در کنترل حجم نقدینگی از موفقیت چندانی برخوردار نباشد. لذا سیاست کاهش نرخ بهره را متعاقباً نمی‌تواند دنبال کند، چون اقتصاد را در نرخ تورم بالا نگهداشته است. و نرخ تورم بالاتر از نرخ بهره از لحاظ اصولی معنی نمی‌دهد؛ اگرچه در برخی از سالها مانند سال ۱۳۷۴ در اقتصاد ایران تورم به ۴۹ درصد هم رسید و علی‌القاعده نرخ بهره می‌بایست از این رقم بیشتر می‌بود تا قدرت خرید سپرده‌گذاران از بین نرود، ولی نرخ بهره حدود نصف رقم تورم بود و اختلال بهره‌ای حادی مشاهده نگردید.

کاهش نرخ بهره بانکی، به معنای افزایش تقاضا برای منابع مالی تلقی می‌شود و این تقاضا از تقاضای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی است. کاهش نرخ بهره باعث افزایش سرمایه‌گذاری، تولید، مصرف، اشتغال و رفاه کل آحاد کشور می‌شود. سیاست‌های کاهش نرخ بهره، به دلیل افزایش تقاضای پول، باعث افزایش قیمت‌ها، نقدینگی و نرخ برابری ارز

بررسی‌ها نشان می‌دهند که
بانک‌ها ظرفیت تحمل
کاهش نرخ بهره به میزان
چهار درصد را هم دارند.

خاصی دارند و با شبکه‌های خود خیلی از سیاستگذاری‌های اقتصادی را به نفع منافع گروهی خود تنظیم می‌کنند. از آنجایی که این شبکه‌ها متشکل از افراد مسوول در اقتصاد کشور هم می‌باشند، نتیجتاً بسیاری از دستورالعمل‌های اقتصادی به نفع این گروه‌ها که خیلی هم واضح نیستند، تغییر شکل پیدا می‌کند و منافع گروهی به جای منافع ملی هدفگیری می‌شود.

مخالفت با نرخ بهره بالا، عملاً مقابله با وضعیت مدیریت بانک‌های دولتی و یا سودآوری بانک‌های خصوصی است؛ در نتیجه، باید گفت که قدرت این شبکه بانکی متشکل از بانک‌های دولتی و خصوصی و صندوق‌های قرض‌الحسنه، آنچنان زیاد شده است که اجازه نمی‌دهند نرخ بهره پایین بیاید و یا بانک‌های رقیب خارجی و یا حتی داخلی وارد این بازار شوند و جریان ورود سرمایه به داخل کشور آزاد شود تا مبادا با پایین آمدن نرخ‌های بهره، سود موجود کم یا مدیریت موجود تضعیف شود. مسلماً مدیریت این شبکه بانکی که در رأس آن بانک مرکزی قرار دارد، از این تحول می‌گریزد، زیرا مدیران معمولاً میل ندارند که سازمان تحت‌مدیریتشان دچار تحول شود، زیرا تحول می‌تواند به برکناری مدیریت بینجامد.

سیاستگذاری نرخ بهره

قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱، بانک مرکزی ایران را مسوول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری می‌شناسد و به بانک مرکزی اجازه می‌دهد تا در امور پولی و بانکی کشور، از جمله در موارد زیر با تصویب شورای پول و اعتبار دخالت نماید:

- تعیین نرخ رسمی تنزیل مجدد و بهره وام‌ها.
- تعیین نسبت و نرخ بهره سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی.
- تعیین میزان حداقل و حداکثر بهره و کارمزد دریافتی و پرداختی بانک‌ها.
- تعیین نحوه مصرف وجوه سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های مشابه نزد بانک‌ها.
- تعیین حداکثر مجموع وام‌ها و اعتبارات بانک‌ها به طور کلی یا در هر یک از رشته‌های مختلف.
- قانون عملیات بانکی بدون ربا، چارچوب مشخصی را برای تجهیز منابع و اعطای تسهیلات اعتباری مشخص می‌کند. تجهیز منابع در قالب سپرده‌های قرض‌الحسنه (جاری و پس‌انداز) و سرمایه‌گذاری مدت‌دار صورت می‌گیرد و اعطای تسهیلات نیز در قالب عقود سیزده‌گانه انجام می‌شود. براساس این قانون، سیاست اعتباری و تسهیلات اعطایی کوتاه‌مدت (یکساله) به پیشنهاد مجمع عمومی بانک مرکزی و تصویب هیات دولت تعیین شده و سیاست اعتباری و تسهیلات اعطایی

دلیل قدرت عملیاتی بانک‌ها حتی در مواردی از پذیرفتن مصوبات مجلس و دولت شانه خالی می‌کند و از طریق کانال‌های فشار خود مانع اجرای سیاست‌های مطروحه می‌شود و به دلیل بسته بودن شبکه بانکی در کشور، عملاً اجازه ورود بانک‌های جدید به صحنه خدمات بانکی داده نمی‌شود، و حتی دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها از قدرت کافی برای تمکین بانک‌ها برخوردار نیستند، لذا در این شرایط، اصلاح سیستم بانکی و ایجاد رقیب در بازار خدمات بانکی امری ضروری و الزام‌آور است.

از سوی دیگر، شبکه قوی صندوق‌های قرض‌الحسنه در حاشیه نظام بانکی، حتی از نظارت بانک مرکزی نیز خارج است و عملاً فعالیت‌های پولی گسترده‌ای را بدون نظارت در کشور انجام می‌دهد. وسعت عمل این بخش به دلیل ماهیت ویژه آن و ارتباط آن با بسیاری از نهادها و ارگان‌ها یا صاحبان سرمایه‌های شبه خصوصی، بسیار زیاد است. نتیجتاً وجود فعالیت‌های حاشیه‌ای این ارگان‌ها در ارتباط با پروژه‌های گسترده، عملاً سبب شده است که موانعی برای شفافیت در سیستم بانک‌ها پدید آید، یعنی فعل و انفعالات مالی این صندوق‌ها علی‌القاعده براساس ماهیت عملیاتی آنها نباید برملا شود. بدیهی است که صدمه این موضوع به بخش بانکی سبب می‌شود که شفافیت در سیستم بانکی آسیب ببیند و بانک‌ها نیز نتوانند به نظام‌های شفاف دریافت و پرداخت و بانکداری الکترونیکی برسند.

بخش دیگری که سبب شد تا سیستم پولی کشور با بهره‌های بالا زیست کند، دوگانگی بازارهای متشکل و غیرمتشکل پولی بود. در ابتدای انقلاب، دولت به اشتباه بانک‌ها را دولتی کرد و آسیب‌های شدیدی را به بخش پولی کشور وارد آورد. نگاه‌های چپ و حتی دیدگاه‌های ناشی از هیجانات انقلاب که منجر به درج اصل ۴۴ قانون اساسی شد، به مدت سه دهه بخش پولی کشور را نابسامان نمود.

دلایلی که در حمایت از نرخ بهره بالا مطرح می‌شود، بیشتر در جهت حمایت از مدیریت مستقر سیستم بانکی است. این سیستم مایل نیست که نرخ بهره را پایین بیاورد، زیرا عملاً سبب می‌شود که بار کاری و مدیریتی سنگینی به بانک‌ها وارد گردد تا نهایتاً بهای تمام‌شده خدماتشان را پایین بیاورند و کارایی سیستم بانکی را بالا ببرند تا سیستم بانکی بتواند کاهش نرخ بهره را جبران بکند. مدیریت مستقر در سیستم بانکی، عملاً در ارتباط با شبکه‌های قدرتی است که در همه کشورها متشکل از صاحبان سرمایه و سیاسیون و نیروهای دیگر می‌باشند که در ارگان‌ها و نهادهای مختلف تصمیم‌گیری حضور دارند و سعی می‌کنند تا محیط را به نفع صاحبان این شبکه‌ها مناسب گردانند. این گروه‌ها آمیزش‌های شبکه‌ای

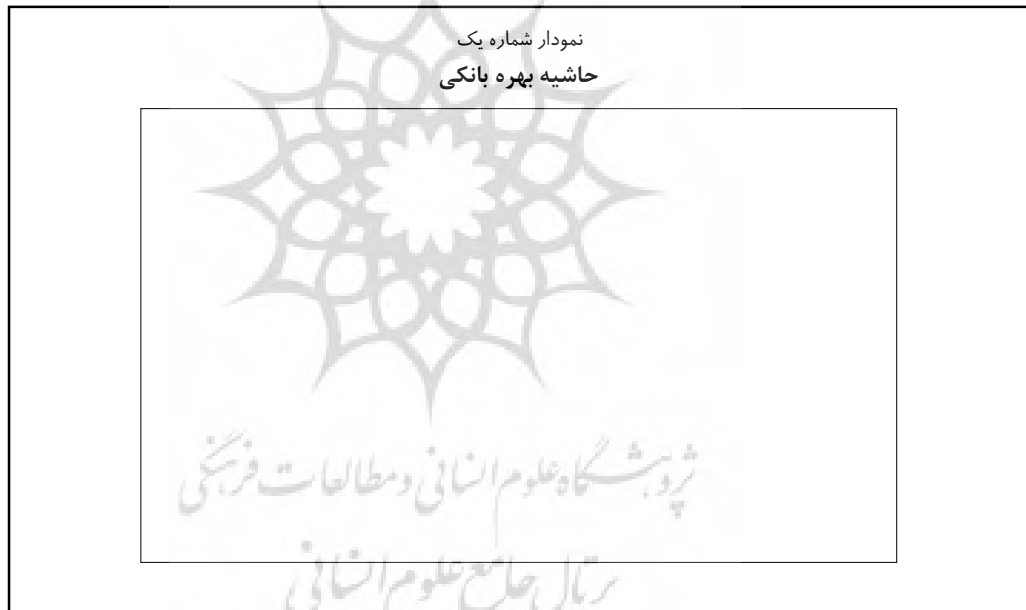
تحقق اصلاحات در شبکه بانکی کشور، می‌تواند با اهرم کاهش نرخ بهره به اجرا نزدیکتر شود.

پنجساله و درازمدت درضمن لوایح برنامه‌های عمرانی پنجساله و درازمدت کشور جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود. ابزارهای بانک مرکزی برای حسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور نیز عبارتند از:

- تعیین حداقل و یا حداکثر نسبت سهم سود بانکها در عملیات مشارکت و مضاربه.
- تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و مشارکت.
- تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت.
- تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانکها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک.
- تعیین انواع و میزان حداقل و حداکثر کارمزد خدماتی بانکی و حق‌الوکاله به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری.
- تعیین حداکثر تسهیلات اعطایی به هر مشتری.
- تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت، مضاربه، سرمایه‌گذاری و...

بر اساس قوانین پولی و بانکی کشور، شورای پول و اعتبار هر ساله نرخ بهره (سود) سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی را تعیین و سهم تسهیلات اعطایی به هریک از بخش‌های اقتصادی را نیز مشخص می‌نماید. طبق مصوبات این شورا، نرخ بهره (سود) سپرده باید برابر با میانگین نرخ تورم در دو سال گذشته به اضافه یک درصد تحت‌عنوان نرخ بازدهی واقعی موردانتظار سپرده‌گذاران باشد، و نرخ بهره (سود) تسهیلات هم باید برابر با نرخ بهره (سود) سپرده به اضافه یک درصد سود مدیریت و یک درصد ریسک و دو درصد هزینه حق‌الوکاله باشد - هرچند که به این مصوبه عمل نمی‌شود، لذا نه نرخ بهره سپرده‌ها و نه نرخ بهره تسهیلات بر مبنای عرضه و تقاضای منابع مالی تعیین نمی‌گردد، بلکه این نرخ‌ها و همچنین سهم بخش‌ها از تسهیلات اعطایی، به صورت دستوری و توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌گردد. نمودار شماره یک و جداول شماره یک تا پنج روند میانگین وزنی این متغیرها را در دوره‌های طولانی نشان می‌دهند.

نمودار شماره یک
حاشیه بهره بانکی



جدول شماره یک

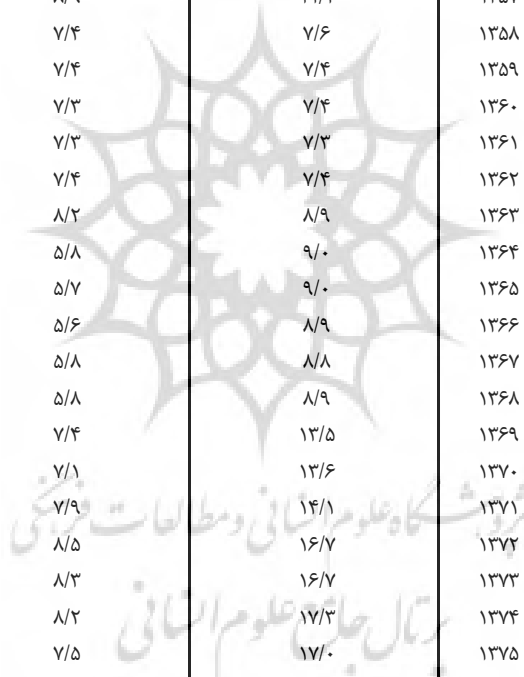
میانگین وزنی نرخ‌های بهره و حاشیه سود بانکها (۸۲-۱۳۳۸)

سال	میانگین وزنی نرخ بهره تسهیلات بانکی (IRIRL)	میانگین وزنی نرخ بهره سپرده‌های بانکی (IRIRS)	حاشیه بهره بانکی (IRIRL-IRIRS)	نرخ بهره بازار غیرمتشکل (IRINB)
۱۳۳۸	۶/۴	۴/۴	۲/۰	۲۰/۰
۱۳۳۹	۶/۴	۴/۴	۲/۰	۲۰/۰
۱۳۴۰	۶/۴	۴/۴	۲/۰	۲۰/۰
۱۳۴۱	۶/۴	۴/۴	۲/۰	۲۰/۰
۱۳۴۲	۶/۴	۴/۴	۲/۰	۲۰/۰
۱۳۴۳	۶/۴	۴/۴	۲/۰	۲۰/۰

وقتی ریشه تورم، حجم پول باشد، هیچ چاره‌ای جز کنترل حجم نقدینگی برای رفع تورم نخواهیم داشت.

ادامه جدول شماره یک
میانگین وزنی نرخ‌های بهره و حاشیه سود بانک‌ها (۸۲-۱۳۳۸)

نرخ بهره بازار غیرمتشکل (IRINB)	حاشیه بهره بانکی (IRIRL-IRIRS)	میانگین وزنی نرخ بهره سپرده‌های بانکی (IRIRS)	میانگین وزنی نرخ بهره تسهیلات بانکی (IRIRL)	سال
۲۰/۰	۲/۰	۴/۴	۶/۴	۱۳۴۴
۲۰/۰	۲/۰	۴/۴	۶/۴	۱۳۴۵
۲۰/۰	۲/۴	۴/۶	۷/۰	۱۳۴۶
۲۰/۰	۲/۰	۵/۵	۷/۵	۱۳۴۷
۲۱/۳	۱/۸	۶/۷	۸/۵	۱۳۴۸
۲۱/۳	۲/۰	۵/۹	۷/۹	۱۳۴۹
۲۱/۸	۲/۰	۵/۹	۷/۹	۱۳۵۰
۳۱/۳	۲/۰	۶/۰	۸/۰	۱۳۵۱
۲۲/۴	۳/۵	۷/۷	۱۱/۳	۱۳۵۲
۲۲/۵	۳/۱	۸/۰	۱۱/۲	۱۳۵۳
۲۲/۵	۳/۲	۷/۹	۱۱/۱	۱۳۵۴
۲۴/۱	۳/۱	۸/۰	۱۱/۱	۱۳۵۵
۲۵/۱	۲/۴	۹/۰	۱۱/۴	۱۳۵۶
۲۴/۹	۲/۳	۸/۹	۱۱/۲	۱۳۵۷
۳۰/۰	۰/۲	۷/۴	۷/۶	۱۳۵۸
۳۶/۰	۰/۰	۷/۴	۷/۴	۱۳۵۹
۳۶/۰	۰/۱	۷/۳	۷/۴	۱۳۶۰
۳۶/۰	۰/۰	۷/۳	۷/۳	۱۳۶۱
۳۶/۰	۰/۰	۷/۴	۷/۴	۱۳۶۲
۴۰/۰	۰/۷	۸/۲	۸/۹	۱۳۶۳
۴۰/۰	۳/۲	۵/۸	۹/۰	۱۳۶۴
۴۲/۰	۳/۳	۵/۷	۹/۰	۱۳۶۵
۴۲/۰	۳/۳	۵/۶	۸/۹	۱۳۶۶
۴۸/۰	۳/۰	۵/۸	۸/۸	۱۳۶۷
۴۲/۰	۳/۱	۵/۸	۸/۹	۱۳۶۸
۳۷/۲	۶/۱	۷/۴	۱۳/۵	۱۳۶۹
۴۰/۰	۶/۵	۷/۱	۱۳/۶	۱۳۷۰
۳۹/۷	۶/۲	۷/۹	۱۴/۱	۱۳۷۱
۴۰/۰	۸/۲	۸/۵	۱۶/۷	۱۳۷۲
۴۷/۷	۸/۴	۸/۳	۱۶/۷	۱۳۷۳
۵۶/۷	۹/۱	۸/۲	۱۷/۳	۱۳۷۴
۴۲/۰	۹/۵	۷/۵	۱۷/۰	۱۳۷۵
۴۰/۰	۶/۱	۱۱/۰	۱۷/۰	۱۳۷۶
۳۸/۰	۱۰/۰	۷/۱	۱۷/۰	۱۳۷۷
۳۵/۰	۵/۱	۱۱/۳	۱۶/۴	۱۳۷۸
۵۹/۷	۶/۲	۱۰/۲	۱۶/۴	۱۳۷۹
۵۵/۵	۶/۳	۱۰/۲	۱۶/۵	۱۳۸۰
۵۴/۰	۵/۴	۱۰/۲	۱۵/۶	۱۳۸۱
۵۴/۰	۵/۳	۱۰/۲	۱۵/۵	۱۳۸۲



سیاست‌های نادرست بانک
مرکزی که ناشی از
ساختارهای قانونی مانند
قانون عملیات بانکی
بدون ربا و ساختار کهنه
بانک مرکزی است، سبب
شده است که این بانک در
کنترل حجم نقدینگی از
موفقیت چندانی برخوردار
نباشد.

مأخذ: نماگرهای اقتصادی / شماره‌های مختلف و گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی در سال‌های مختلف.
توضیح اینکه، آمار نرخ بهره بازار غیرمتشکل پولی به دلیل ناکافی بودن نمونه و همچنین فقدان آمار و اطلاعات مربوط به میزان وام اعطایی
در نرخ‌های مختلف و در مکان‌های مختلف، میانگین وزنی نمی‌باشد و بر این اساس، نمی‌تواند قابل استناد باشد. گزارش این نرخ به عنوان
متغیری که تا حدودی مبین افتراق دو بازار می‌باشد، قابل استفاده است.

جدول شماره دو

نرخ بهره علی الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار در بانک‌های دولتی
(درصد در سال)*

سال	کوتاه مدت	کوتاه مدت ویژه	یک ساله	دو ساله	سه ساله	چهار ساله	پنج ساله
۱۳۷۹	۸	۱۰	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸/۵
۱۳۸۰	۷	۹	۱۳	۱۷-۱۳	۱۷-۱۳	۱۷-۱۳	۱۷
۱۳۸۱	۷	۹	۱۳	۱۷-۱۳	۱۷-۱۳	۱۷-۱۳	۱۷
۱۳۸۲	۷	۹	۱۳	۱۷-۱۳	۱۷-۱۳	۱۷-۱۳	۱۷
۱۳۸۳	۷	۹	۱۳	۱۷-۱۳	۱۷-۱۳	۱۷-۱۳	۱۷
۱۳۸۴**	۷	۹	۱۳	۱۷-۱۳	۱۷-۱۳	۱۷-۱۳	۱۷

توضیحات:

* از سال ۱۳۸۰ تعیین نرخ سود علی الحساب سپرده‌های دو ساله تا چهار ساله در دامنه ۱۷-۱۳ درصد در اختیار بانک‌های دولتی گذاشته شده است.
** بر اساس ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم، اعطای تسهیلات توسط بانک‌های دولتی با نرخ کمتر از میزان مصوب، مشروط به تامین یارانه سود آن توسط دولت است. در این رابطه، دولت در قانون بودجه سال ۱۳۸۴ مالیاتی یارانه پیش‌بینی نموده است.

جدول شماره سه

نرخ بهره مورد انتظار تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی (درصد در سال)*

سال	صنعت و معدن	ساختمان و مسکن**		کشاورزی	بازرگانی، خدمات و متفرقه	صادرات
		سندوق پس انداز مسکن بانک مسکن	سایر			
۱۳۷۹	۱۹-۱۷	۱۶-۱۵	۱۹-۱۸	۱۶-۱۳	۲۵-۲۲	۱۸
۱۳۸۱	۱۷-۱۵	۱۵-۱۴	۱۸-۱۶	۱۴-۱۳	(حداقل) ۲۲	۱۷
۱۳۸۲	۱۶	۱۵	۱۸	۱۳/۵	(حداقل) ۲۱	۱۵
۱۳۸۳	۱۵	۱۵	۱۸	۱۳/۵	(حداقل) ۲۱	۱۴
۱۳۸۴	۱۶		۱۶	۱۶	(حداقل) ۱۶	۱۶

* مصوب شورای پول و اعتبار.

** در سال ۱۳۸۲، نرخ بهره مورد انتظار تسهیلات در بخش ساختمان معادل ۲۱ درصد در سال تعیین گردید.

<http://www.cbi.ir/page/2647.aspx>

جدول شماره چهار

محدوده نرخ بهره علی الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار بانک‌های غیردولتی*

سال	کوتاه مدت		بلند مدت			
	یک ماهه	شش ماهه	یک ساله	دو ساله	سه ساله	چهار ساله
۱۳۸۳	۱۲-۱۰	۱۴-۱۲	۱۷-۱۶	۱۸-۱۷	۱۸/۵-۱۸	۱۹/۵-۱۹
پایان آبان ۱۳۸۴	۱۴-۱۲	۱۶-۱۴	۱۸-۱۶	۱۹-۱۷	۱۹/۵-۱۸	۲۰/۵-۱۹

* شامل موسسات اعتباری غیربانکی.

جدول شماره پنج

محدوده نرخ بهره مورد انتظار تسهیلات غیردولتی
(درصد در سال)

سال	محدوده نرخ سود مورد انتظار تسهیلات
سال ۱۳۸۳	۳۰-۲۶
پایان آبان ۱۳۸۴	۲۷-۲۳

توضیح: جهت دسترسی به اطلاعات بیشتر، لطفاً به بانک مربوطه یا وبسایت آن رجوع گردد. <http://www.cbi.ir/page/2649.aspx>

ملاحظات تحلیلی سیاست‌های پولی در ایران

با توجه به این که دوگانگی بخش پولی در اقتصاد ایران، همچنان روزبه‌روز حایز اهمیت بیشتری می‌شود؛ از طرف دیگر، فعالیت نهادهای مستقر در بخش غیررسمی پولی نیز همچنان روبه‌افزایش است، به هر تقدیر، بایست الگوی موردنظر به‌گونه‌ای باشد تا توان بیان اثرات دوگانگی بخش پولی را داشته باشد. در الگوی اقتصادسنجی کلان ایران، مبنای تعیین نرخ بهره در بازار متشکل (بانکی) و غیرمتشکل (غیربانکی) با شیوه

نرخ بهره بانک‌ها در ایران از لحاظ بین‌المللی بالاست؛ بنابراین، باید به هر طریق آن را به نرخ‌های پایین بین‌المللی نزدیک کرد.

توسعه یافته با اهمیت باشد، ولی در ایران به علت بالابودن ریسک سرمایه‌گذاری و نیز فقدان یک تصویر روشن از جریان منابع به بازار مالی و تاثیر آن بر نرخ بهره بانکی، شدت اثر این نرخ بر سرمایه‌گذاری و در نتیجه، بر تقاضای کل کمتر خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر هزینه هر واحد سرمایه‌گذاری را به دو بخش ریسک سرمایه‌گذاری و نرخ بهره بانکی تقسیم کنیم، نرخ ریسک به عنوان هزینه متوسط ناخواسته بر هر واحد سرمایه‌گذاری، بسیار بالاتر از نرخ بهره بانکی می‌باشد. از این رو، هنگامی که نرخ ریسک بالا است، تغییر در بهره بانکی تاثیر کمتری در هزینه کل هر واحد سرمایه‌گذاری و در نتیجه، در حجم سرمایه‌گذاری خواهد داشت.

از طرف دیگر، نرخ بهره در ایران به دلیل این که توسط مقامات پولی و بدون ارتباط با عرضه و تقاضای پول مشخص می‌شود، کاربرد وسیعی در مکانیزم‌های اثرگذاری پولی به معنی شاخصی از ارزش‌داری‌های قابل تبدیل به پول ندارد. در چنین مواردی، نرخ تورم به عنوان معیاری برای هزینه فرصت نگهداری پول و نیز برآورد غیرمستقیم کشش بهره‌ای تقاضا برای پول در نظر گرفته می‌شود.

با توجه به موارد یاد شده و با عنایت به این که مکانیزم اثرگذاری در نظر کینزین‌ها عمدتاً از راه کاهش نرخ بهره و کاهش هزینه سرمایه‌گذاری بر متغیرهای واقعی اقتصاد اثر می‌گذارد، به نظر می‌رسد که با وجود تنگنای اقتصادی و نیز بالابودن ریسک سرمایه‌گذاری در ایران، افزایش حجم پول از طریق تغییر در سرمایه‌گذاری و افزایش تقاضای کل نمی‌تواند تولید را افزایش دهد. به عبارت دیگر، در زمینه استفاده از افزایش حجم نقدینگی در اثرگذاری پولی بر متغیرهای واقعی، تردید وجود دارد. از سوی دیگر، دارایی‌های مالی در ایران که می‌توانند جانشین پول شوند، در مقایسه با آنچه پولیون مطرح می‌نمایند، متفاوت است. با ملحوظ داشتن این که هنوز بازارهای مالی در ایران جایگاه ویژه خود را نیافته‌اند، ترکیب دارایی‌ها متفاوت از کشورهای پیشرفته می‌باشد. ترکیب دارایی‌های افراد در ایران بیشتر شامل زمین، ساختمان، فرش، اتومبیل، ارزهای خارجی و سکه طلا بوده است و اخیراً بازار بورس سهام و اوراق بهادار هم در این بخش قابل توجه شده است. با افزایش حجم پول و با توجه به این که انتظارات تورمی مردم در حد بالایی قرار دارد، غالباً افراد سعی می‌کنند تا اقلام فوق را جانشین پول نمایند. طبیعتاً، با افزایش تقاضای کالاها یاد شده، قیمت آنها افزایش می‌یابد و موجد این انتظار می‌شود که همراه با تغییرات قیمت - با فرض سودآوری تولیدکننده آن کالاها - حجم سرمایه‌گذاری و نیز میزان تولید آنها افزایش یابد. اما افزایش تقاضای کل به دلایل مختلف از جمله وجود تنگنای اقتصادی، بالابودن ریسک و نااطمینانی سرمایه‌گذاری در ایران، محدودیت‌های

رفتار اثرگذاری نرخ بهره در دو بازار بر عرضه و تقاضای منابع پولی تصریح شده است. از طرفی، اطلاعات و آمار لازم برای تجزیه بازار پول به دو بازار متشکل و غیرمتشکل موجود نمی‌باشد، لذا نمی‌توان به سادگی این دو بازار را به صورت موازی در یک الگوی اقتصادسنجی تعریف نمود. برای رفع این مشکل، نقش سیستم بانکی در عرضه و تقاضای پول پررنگ شده و همزمان نرخ بهره در بازار غیرمتشکل نیز در درون معادلات مختلف از جمله تقاضا برای اجزای نقدینگی به عنوان قیمت‌داری جانشین پول و تابع سرمایه‌گذاری اسمی به عنوان عامل موثر در تامین مالی منابع و در تابع پس‌انداز وارد شده تا فعالیت دو بازار همگام بایکدیگر در چرخه عملیات پولی نشان داده شود. در بازار متشکل، عرضه منابع توسط سیستم بانکی به بخش‌های خصوصی و دولتی، به شکل تابع مثبتی از نرخ بهره تسهیلات اعتباری می‌باشد. تقاضا برای اجزای نقدینگی سپرده‌های دیداری، مدت‌دار و اسکناس و مسکوکات تابع نرخ بهره سپرده‌ها در سیستم بانکی و نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی تعریف می‌شود. این معادلات، بخش پول را در ارتباط با بخش حقیقی قرار می‌دهند. از طرفی، با درج نرخ بهره تسهیلات و نرخ بهره بازار غیرمتشکل در معادلات تقاضای سرمایه‌گذاری، اتصال بخش‌های اسمی و حقیقی الگو با بخش پول تقویت می‌گردد. نرخ بهره در بازار غیرمتشکل به عنوان یک متغیر درونزا از تقاطع تقاضا و عرضه منابع سرمایه‌گذاری و پس‌انداز محاسبه می‌گردد.

یکی از عوامل مهم در اثرگذاری سیاست‌های پولی بر متغیرهای واقعی اقتصاد، از دیدگاه کینزین‌ها، پایین بودن میل نهایی به پس‌انداز می‌باشد که به بزرگتر شدن ضریب فزاینده منجر شده و در افزایش تقاضای کل نقش مهمی را ایفا می‌کند. در ایران همانند سایر کشورهای در حال توسعه، میل نهایی به پس‌انداز، در حد پایینی قرار دارد و در نظر اول چنین استنباط می‌شود که ضریب فزاینده بالاست و بنابراین، ضربه ناشی از تقاضا، تولید را تحت تاثیر قرار داده و سبب افزایش آن می‌گردد، اما به علت تنگنای ساختاری و ریسک سرمایه‌گذاری که در ایران وجود دارد، نه تنها سیاست پولی انبساطی تأثیری بر تولید نداشته، بلکه به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم در جامعه منجر می‌شود.

از سوی دیگر، کینزین‌ها معتقدند که با افزایش حجم پول، به علت افزایش تقاضا برای اوراق قرضه و یا خزانه، قیمت آنها افزایش یافته، کاهش نرخ بهره را باعث می‌شود. از آنجایی که ایشان سرمایه‌گذاری را نسبت به نرخ بهره حساس در نظر می‌گیرند، لذا کاهش نرخ بهره منجر به افزایش سرمایه‌گذاری شده، تقاضای کل را تغییر خواهد داد. در این راستا، برآورد حساسیت بهره‌ای سرمایه‌گذاری، ممکن است برای کشورهای

با توجه به مقاومت شدید انحصارات بانکی در ایران، اتخاذ سیاست دستوری و الزام بانک‌ها به کاهش نرخ بهره، جایگزین خوبی برای متحول کردن سیستم بانکی است.

قانونی و دشواری‌های ساختاری در اقتصاد، نرخ‌گذاری دولتی بر روی برخی از کالاها و... بر متغیرهای واقعی تاثیر چندانی ندارد. با توجه به موارد گفته شده، ملاحظه می‌شود که اولاً، ترکیب دارایی‌ها در اقتصاد ایران متفاوت از کشورهای پیشرفته است؛ ثانیاً، پولیون در مورد کشورهای پیشرفته عقیده دارند که با تغییر مقدار پول، به دلیل این که بازده پول کاهش می‌یابد، صاحبان سرمایه سعی می‌کنند تا ترکیب دارایی‌های خود را آنچنان تغییر دهند که بازده آنان حداکثر گردد، یعنی در حالت تعادل، باعث یکسان‌شدن بازده تمام دارایی‌ها در شرایط رقابت آزاد می‌شود. در این شرایط است که با افزایش تقاضا برای سایر دارایی‌ها، قیمت آنها افزایش یافته و در نتیجه، نرخ بهره کم می‌شود. کاهش نرخ بهره هم می‌تواند سرمایه‌گذاری و تقاضای کل را افزایش داده، بر میزان تولید اثر بگذارد. در اقتصاد ایران، به دلیل ضعف بازارهای مالی، صاحبان سرمایه سعی می‌کنند تا پس از افزایش حجم پول در جامعه، دارایی‌های واقعی (مانند اتومبیل، خانه و...) خود را جانشین پول کنند و این امر سبب افزایش تقاضا می‌گردد و علت این افزایش تقاضا، افزایش سرمایه‌گذاری نیست، بلکه تنها انتظارات تورمی و بازده مناسب نگهداری اینگونه ثروت‌هاست که صاحبان سرمایه را تشویق به خرید آنها نموده است.

با عنایت به موارد بالا، به نظر می‌رسد که اعمال سیاست‌های پولی از طریق افزایش حجم پول نمی‌تواند تاثیر مثبتی بر متغیرهای واقعی اقتصاد، از جمله تولید داشته باشد. در ایران به جای تاثیر مثبت افزایش حجم پول (از طریق کاهش نرخ بهره) در حجم سرمایه‌گذاری و نیز در ادامه آن، افزایش تولید، به علل فوق‌الذکر، تنها افزایش تورم به وقوع خواهد پیوست. بنابراین، شاید بتوان این نظر پولیون را که سیاست مالی تأثیری بر درآمد و بنابراین، بر اشتغال ندارد، در شرایط کنونی اقتصاد ایران سازگار دانست^(۲). لازم به ذکر است که شباهت شرایط اشتغال کامل به الگوی پولیون و تنگناهای ساختاری در اقتصاد ایران برای این است که امکان بسط تولید از راه اعمال سیاست‌های مالی وجود ندارد، زیرا محیط اقتصادی که در آن سیاست‌های پولی و مالی اجرا می‌شود، در کشورهای توسعه‌یافته، متفاوت از کشورهای در حال توسعه است. در کشورهای توسعه‌یافته، حداکثر استفاده از منابع صورت می‌گیرد و تنها وظیفه سیاست‌های پولی و مالی، کاهش نوسانات کوتاه‌مدت در میزان تولید است، اما در کشورهای در حال توسعه، علیرغم رفع بحران ناشی از ادوار تجاری در کوتاه‌مدت، مقامات پولی و مالی با مساله اساسی رشد و توسعه بلندمدت اقتصادی نیز مواجهند. مشهود است که در اقتصاد ایران، به علت محدودیت منابع مالی دولت، سیاست‌های پولی به سیاست‌های مالی مربوط شده و عملاً استقلال سیاست پولی را نیز ضعیف

نموده و سیاست پولی از عملکرد مناسبی برخوردار نمی‌باشد. بنا بر نظر پولیون، سیاست پولی از طریق کنترل حجم پول (ذخایر پولی) و کنترل اعتبارات صورت می‌گیرد، ولی در اقتصاد ایران، تنظیم هیچیک از موارد یادشده نمی‌تواند آثار مثبتی را به دنبال داشته باشد. از آنجایی که مقامات پولی در ایران قادر به کنترل نرخ اسمی بهره بانکی می‌باشند، لذا اعمال سیاست‌های پولی از راه کنترل نرخ بهره، تنها راه مداخله در بخش واقعی اقتصاد از طریق اعمال سیاست‌های پولی می‌باشد، گرچه در ایران نیز کنترل نرخ بهره بانکی با توجه به نرخ ریسک بالای سرمایه‌گذاری، تاثیر و کارایی لازم خود را ندارد.

روش کنترل حجم اعتبارات، با توجه به وجود بازار غیررسمی اعتبارات در ایران (صندوق‌های قرض‌الحسنه، موسسات مالی و اعتباری غیربانکی مختلف، اعتبارات اعطایی افراد و موسسات غیررسمی و...) که سهمی در تخصیص اعتبارات دارند و نیز تخصیص نامناسب اعتبارات در شرایط کنترل آن، موجب شده است که روشن مناسبی برای اعمال سیاست‌های پولی تلقی نشود. از طرف دیگر، براساس قانون عملیات بانکی بدون ربا، ابزارهای پولی متداول در بانکداری از جمله نرخ تنزیل مجدد، عملیات بازار باز و خریدوفروش اوراق و اسناد بهادار و سایر ابزارهای مشابه، کارایی خود را از دست داده‌اند.

مطالب یادشده در بالا را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:
 (۱) وجود انتظارات تورمی بالا در اقتصاد ایران، اثرگذاری سیاست پولی بر سرمایه‌گذاری و در نتیجه، بر تولید را دچار مشکل ساخته است.

(۲) به علت فقدان بازار مالی پیشرفته در ایران، آرایش دارایی‌های مالی در ایران متفاوت از کشورهای پیشرفته بوده و بیشتر، کالاهای بادوام، زمین و طلا به عنوان جانشین پول در نظر گرفته می‌شوند. در شرایط کنونی اقتصاد ایران، نقش سهام در ترکیب دارایی‌ها اندک است و بازار سهام، علیرغم این که مورد توجه واقع شده، از وسعت کافی برخوردار نیست.

(۳) به علت وجود تنگناهای عرضه در ایران، افزایش قیمت کالاهای بند فوق، افزایش محسوس تولید را به دنبال نداشته و بیشتر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها دامن می‌زند.

(۴) کنترل حجم پول از راه کنترل اعتبارات، کارایی لازم را نداشته و وابستگی سیاست‌های پولی به سیاست‌های مالی، سبب مداخله بخش مالی در میزان حجم نقدینگی از طریق افزایش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی گردیده است.

(۵) نرخ بهره به دلیل بالابودن ریسک سرمایه‌گذاری، از کارایی کمتری در اقتصاد ایران جهت تحریک سرمایه‌گذاری برخوردار می‌باشد.

(۶) سیستم بانکی کشور، از کارایی لازم برخوردار نیست.

در شرایطی که بانک‌ها به صورت یک کارتل عمل می‌کنند و از طریق کانال‌های فشار خود مانع اجرای سیاست‌های مطرحه می‌شوند، ایجاد رقیب در بازار خدمات بانکی، امری ضروری و الزام‌آور است.

ویژگی‌های خاص در مورد الگوی ساخته‌شده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود که نسبت به سایر الگوها تازگی دارد:

(۱) تمام بخش‌ها به صورت عرضه و تقاضا مطرح می‌باشند و مازاد عرضه یا تقاضا در موارد لازم تصریح شده است. برای مثال، تقاضای واردات و عرضه صادرات و تراز تجاری به عنوان مازاد کسری تجاری، درآمدها و هزینه‌های ارزی ناشی از عرضه صادرات و تقاضای واردات و تراز پرداخت‌ها به عنوان مازاد کسری مربوطه در بخش خارجی. در بخش پول، توابع عرضه پول و تقاضای پول با وجود متغیر خاص مطالبات نظام بانکی از بخش خصوصی در حالت تعادل قرار می‌گیرند. در بخش دولت، درآمدها و هزینه‌های دولت و کسری یا مازاد بودجه شرایط تعادل را ایجاد می‌نمایند. در بخش حقیقی، عرضه و تقاضا برای کل کالا و خدمات با وجود متغیر تغییر در موجودی و مغایرت‌های آماری به تعادل می‌رسند. همین مکانیزم در بخش اسمی از سمت درآمد ملی و هزینه ملی وجود دارد. در بازار کار، عرضه نیروی کار و تقاضای نیروی کار همراه با متغیر بیکاری این بازار را به تعادل می‌رساند. به عبارت دیگر، متغیرهای کسری یا مازاد بازارهای الگو را در حال تعادل نگاه‌می‌دارند و ساختار عدم تعادل الگو را تبدیل به یک ساختار تعادلی می‌نمایند.

(۲) برخلاف الگوهای اقتصادسنجی مختلف، در این الگو قیمت کاملاً به طور سیستماتیک محاسبه می‌شود. در سایر الگوها غالباً یک قیمت اصلی در الگو محاسبه شده و توسط رگرسیون‌های پل سایر شاخص‌های قیمتی محاسبه می‌شوند. در الگوی حاضر، کلیه تعدیل‌کننده‌های ضمنی قیمت از تقسیم مقادیر جاری بر ثابت آنها به دست آمده و رابطه ریاضی نظری عملاً در بین تعدیل‌کننده ضمنی قیمت‌های مختلف اجزای حساب‌های ملی برقرار است. به عبارت دیگر، میانگین وزنی ریز تعدیل‌کننده‌های ضمنی قیمت مساوی تعدیل‌کننده‌های ضمنی قیمت اقلام درشت‌تر می‌شود. این پدیده ارتباط تنگاتنگی را بین متغیرهای الگو برقرار می‌سازد که فاصله اعتماد پیش‌بینی‌های آینده را بسیار تنگتر می‌نماید.

(۳) نحوه برخورد با خطاهای موجود در تراز پرداخت‌ها همانند مغایرت‌های آماری و حساب تراز انتقالات، به صورت انفعالی نبوده، به طوری که این اقلام از نظر نیفتاده است و راه‌حل نوینی برای برخورد با آن از طریق انباشته کردن و درون‌زنامودن آنها و ایجاد ارتباط با متغیرهای انباشته مرتبط با این حساب طرح شده است. با این عمل، مشکلات پیش‌بینی‌های آینده در مورد مقادیر این متغیرها رفع می‌شود که کمک بسیار زیادی به دقت پیش‌بینی‌ها می‌نماید. در این راستا از خاصیت مجموع و میانگین صفر خطاهای آماری در بلندمدت استفاده شده است.

(۴) با توجه به تفاوت تعاریف اقلام مختلف در بودجه دولت و حساب‌های ملی و همچنین اختلاف ارقام دلاری حساب تراز

نرخ بهره تسهیلات بانکی در قالب عقود اسلامی، کمتر از نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی است و نظارت کافی پس از تفویض تسهیلات اعطایی وجود ندارد تا لزوماً اعتبارات پرداختی در جهت هدف موردنظر به کار گرفته شوند. از این رو، چه بسا بخش قابل توجهی از تسهیلات پرداختی، در امور تجاری سودآور و کم‌ریسک به کار گرفته شوند. از سوی دیگر، وجود مازاد منابع بانکی در برخی از سال‌ها، به علت محدودیت خدمات تسهیلاتی بانک‌ها، نیز دلیل واضح دیگری بر عملکرد ناکارایی سیستم بانکی در خلال سال‌های مربوطه می‌باشد. لذا این امر می‌تواند اثرگذاری سیاست پولی بر متغیرهای حقیقی اقتصاد را با مشکل مواجه سازد.

(۷) ریسک بالای سرمایه‌گذاری در ایران که ناشی از نابسامانی‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی، نظامی، اجتماعی، قانونگذاری، قضایی و اجرایی می‌باشد، در نهایت باعث افزایش عدم‌امنیت سرمایه‌گذاری شده و در کاهش اثرگذاری سیاست‌های پولی از طریق سرمایه‌گذاری بر متغیرهای واقعی اقتصاد، نقش مهمی را ایفا نموده است.

(۸) وجود تشریفات، قوانین و آیین‌نامه‌های مختلف و متغیر در امور صدور و ورود کالاها، مراحل اخذ موافقت‌های اصولی و تشریفات مربوط در جهت سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی، تأخیر بخش دولتی در تصمیم‌گیری‌های به‌هنگام در مورد تحولات اقتصادی، کنترل‌های رسمی قیمت‌ها و در نتیجه، ایجاد بازارهای غیررسمی و دوگانگی قیمت‌ها که منجر به مشکلات تصنعی و فسادهای اداری ناشی از آن می‌گردد و... از جمله عوامل برونزایی محسوب می‌شوند که تضعیف‌کننده بخش عرضه اقتصاد تلقی شده و تأثیر سیاست‌های پولی اتخاذشده بر بخش حقیقی اقتصاد را کم‌رنگتر می‌سازند.

(۹) با توجه به توانایی کنترل مقامات پولی بر نرخ بهره اسمی بانکی، تنها راه قابل قبول برای تحریک بخش واقعی اقتصاد، همانا کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی است.

الگوی اقتصادسنجی کلان ایران

الگوی اقتصادسنجی کلان ایران^(۳) از ۲۰ متغیر برونزای سیاستی برخوردار است که می‌توان با تغییر آنها اثر یک متغیر را بر متغیرهای دیگر - که متغیرهای درونزا در الگو می‌باشند و تعداد آنها ۲۰۰ متغیر است - سنجید. از جمله این متغیرهای برونزا، میانگین موزون نرخ بهره تسهیلات اعطایی بانکی است که در این بررسی از آن به عنوان متغیر اصلی تحلیل سیاستگذاری برای شبیه‌سازی استفاده می‌نماییم. اصولاً خصوصیت بارز یک الگو در کلیت متغیرها و معادلات و ارتباطات موجود بین آنها پدیدار می‌گردد و شاید بتوان از این لحاظ کیفیت این ارتباطات را توضیح داد، ولی از لحاظ

در ابتدای انقلاب، دولت به اشتباه بانک‌ها را دولتی کرد.

۱۳) برای رفع نالیستایی‌های موجود در برخی از سری‌های زمانی و ایستانمودن (Stationary) آنها در مواقع لزوم، از تفاضل مرتبه اول ساده یا تعمیم‌یافته متغیرهای موردنظر استفاده شده است.

۱۴) ارتباط اصلی بین بخش خارجی و بخش پول بر مبنای دیدگاه پولی به تراز پرداخت‌ها (Monetary Approach to Balance of Payments) طراحی گردیده است.

۱۵) تابع تولید کالاها و خدمات غیرنفتی، یک تابع کاملاً جایگزین (Perfect Substitutable) تعریف شده است.

۱۶) تعدیلات نرخ ارز در ارزشیابی دارایی‌های خارجی نظام بانکی در الگو لحاظ شده است.

شبیه‌سازی کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی

همانطور که ذکر آن رفت، کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی، می‌تواند یکی از راه‌های موفق برای تحریک بخش واقعی اقتصاد ایران باشد. برای آزمون اثر این سیاست بر سایر متغیرهای اقتصادی در ایران، ارزیابی‌های زیر را انجام می‌دهیم^(۴):

روش اعمال‌شده در ارزیابی اثر سیاست‌گذاری‌های مختلف بر کلیه متغیرهای درونزای الگوی اقتصادسنجی کلان ایران، به این شرح است که در ابتدا با مقادیر قبلی متغیرهای برونزا الگورا حل می‌کنیم و مقادیر متغیرهای درونزایا به دست می‌آوریم. این جواب به نام جواب کنترل شناخته می‌شود. سپس متغیرهای برونزایا یک‌به‌یک در هر سناریو به میزان معینی تغییر می‌دهیم و مجدداً الگورا حل می‌کنیم و مقادیر متغیرهای درونزایا را به دست می‌آوریم. تفاوت این متغیرها با متغیرهای جواب‌کنترل، مبین اثر شوک موردنظر بر روی متغیر سیاستی (برونزا) مربوطه خواهد بود. در تحلیل هر شوک، یک جدول خلاصه آثار شوک آورده شده است که تلخیصی از جداول اصلی می‌باشد. روش تحلیل اثر شوک‌ها دقیقاً بر اساس ساختار نظری الگو است که در این مقال نمی‌توان به ذکر آن پرداخت، و باید گفت که تاثیرات مقداری ارایه‌شده در جداول، حاصل تمام ارتباطات میان بخش‌های مختلف است.

در تحلیل شوک‌ها می‌بایست دقیقاً تاثیرات متقابل بخش‌ها و متغیرها و معادلات الگو را در نظر داشته باشیم، زیرا وقتی در دوران نمونه یک متغیر برونزایا را تغییر می‌دهیم و توقع داریم که اثر این تغییر را بر متغیرهای درونزایا بررسی کنیم، باید ارتباطات موجود فی‌مابین متغیر شوک داده‌شده و سایر متغیرهای برونزایا را در نظر می‌گیریم. این مساله به این معنی است که متغیرهای برونزایا نیز رفتار مرتبط خود را دارند که در اینجا نیامده است. برای مثال، درآمد حاصل از صادرات نفت و بودجه دولت هر دو برونزایا هستند، ولی با افزایش اولی، دومی نیز

پرداخت‌ها با ارقام ریالی حساب‌های ملی، از رگرسیون‌های پل استفاده شد تا با حفظ تعاریف موجود هر حساب، ارتباط بین حساب‌های مختلف بیان شود.

۵) با توجه به این که قیمت در این الگو کاملاً درونزایا محاسبه می‌شود، لذا لازم است که کلیه ارقام جاری و حقیقی محاسبه گردند. بنابراین، در این الگو کلیه متغیرهای به‌کارگرفته‌شده از حساب‌های ملی هم به قیمت ثابت و هم به قیمت جاری آورده شده‌اند.

۶) دوگانگی بازار پول در الگو تصریح شده و بازارهای متشکل و غیرمتشکل پولی بر اساس عرضه و تقاضای منابع سپرده‌ای و تسهیلات اعتباری با توجه به نرخ‌های وزنی بهره در بخش سپرده‌ها و تسهیلات بانکی و نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی در الگو حضور دارند.

۷) یکی دیگر از موارد دوگانگی در اقتصاد ایران، موضوع وجود دولت و بخش دولتی می‌باشد. بخش دولت شامل دولت به معنی بودجه عمومی و بسیاری از شرکت‌ها، نهادها، موسسات، بنیادها، آستانه‌های متبرکه، کمیته‌ها، انجمن‌ها و بسیاری موارد مشابه هستند که ذیل این عناوین می‌گنجد و در مجموع چندین برابر دولت به معنی بودجه عمومی می‌باشند. تمایز دولت و بخش دولتی در حساب‌های منابع و مصارف سیستم بانکی موجود است، ولی به آمار آن در بخش‌های دیگر به راحتی نمی‌توان دست یافت. این دوگانگی مالی در الگو تصریح شده است.

۸) چندگانگی ارزی در الگو لحاظ شده است، به طوری که نرخ‌های ارز رسمی، صادراتی، موثر و غیررسمی (بازار آزاد) همگی در الگو حضور دارند و هرکدام در جای خاص خود به کار برده می‌شوند. دو نرخ اول به صورت برونزایا و دو نرخ دیگر به صورت درونزایا تعریف شده‌اند.

۹) با توجه به اهمیت حساب ذخیره تعهدات ارزی دولت که در سال‌های اخیر نقش بسیار مهمی را در اقتصاد ایران بازی نموده است، رفتار این حساب نیز در الگو تبیین گردیده است.

۱۰) با توجه به اهمیت بخش نفت در اقتصاد ایران و تبعیت سایر متغیرهای اقتصاد ایران از رفتار اقتصادی بخش نفت، دوگانگی نفتی در اقتصاد ایران از لحاظ نفتی و غیرنفتی به صورت کامل تبیین و تصریح شده است.

۱۱) تامین منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از طریق ارتباط خالص مطالبات نظام بانکی به هزینه‌های اسمی سرمایه‌گذاری، بخش پول و سرمایه‌گذاری را در ارتباط متقابل قرار می‌دهد.

۱۲) تسهیلات تکلیفی بودجه دولت در تقسیم‌بندی وام‌های خصوصی و دولتی، از جمله مواردی است که در این الگو درم‌د نظر قرار گرفته است.

دلایلی که در حمایت از نرخ بهره بالا مطرح می‌شود، بیشتر در جهت حمایت از مدیریت مستقر سیستم بانکی است.

افزایش می‌یابد، حال چون در هنگام تحلیل شوک‌های منفرد این پدیده داخل نمی‌شود، به این دلیل باید گفت که ارزیابی بسته‌های سیاستی پاسخ‌های بسیار بهتری را در اینگونه تحلیل‌ها به‌دست می‌دهد. به عبارت دیگر، به جای تغییر یک متغیر برونزا، دسته‌ای از متغیرهای برونزا را تغییر می‌دهیم و اثرات آن را در دوران نمونه بر متغیرهای درونزا بررسی می‌نماییم. شوک‌های منفرد، همانطور که در این قسمت آمده‌اند، بدون توجه به ارتباط میان متغیرهای برونزا در نظر گرفته شده‌اند و یک متغیر برونزا منفرداً تغییر داده شده است، لذا در تفسیر این شوک‌ها می‌بایست این موضوع را کاملاً در نظر داشت.

در بررسی فعلی ما، این مساله در کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی و بدون توجه به کاهش نرخ بهره سپرده‌های بانکی می‌باشد. به عبارت دیگر، علی‌القاعده کاهش نرخ بهره تسهیلات بایست همراه با کاهش نرخ سپرده‌های بانکی صورت گیرد، چه در غیر اینصورت، حاشیه بهره (Spread) که عبارت از تفاوت نرخ‌های بهره تسهیلات بانکی و نرخ بهره سپرده‌ها می‌باشد، می‌تواند کم شود و نتیجتاً در صورتی که بانک‌ها اقدام به افزایش کارایی خود ننمایند، دچار زیان می‌گردند. لذا علی‌القاعده در جریان اتخاذ سیاست‌کاستن نرخ بهره تسهیلات، می‌بایست سیاست کاستن از نرخ بهره سپرده‌ها را نیز توأم با آن نمود که امید است در تحلیل‌های دیگری بتوان به بررسی سناریوهای توأم نیز پرداخت. ولی با توجه به این که تداخل حجم تغییرات این سناریو می‌تواند اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات را مبهم نماید، لذا در این مرحله از بررسی آن خودداری خواهیم کرد.

سیاست‌های هدفگذاری تورم نیز از جمله مواردی است که باید همگام و توأم با این سیاست درمناظر قرار گیرد، زیرا چنانچه تورم بالا باشد و نرخ بهره تسهیلات بانکی را پایین بیاوریم، علی‌القاعده برخلاف چارچوب رفتاری الگو عمل نموده‌ایم، چون در این حالت، نرخ طبیعی بهره می‌تواند منفی شود.

نکته قابل توجه دیگر در تحلیل اثرات شوک، مساله عدم‌نسبی بودن میزان شوک در متغیر برونزا با میزان اثر شوک بر متغیرهای درونزا می‌باشد. به عبارت دیگر، اگر یک متغیر برونزا را ۱۰ درصد افزایش دهیم و یک متغیر درونزای موردنظر دو درصد کاهش یابد، نمی‌توان استنتاج نمود که به‌ازای ۲۰ درصد افزایش در اولی، چهار درصد کاهش (به میزان دو برابر) در دومی خواهیم داشت، بلکه باید متوجه بود که به دلیل حل همزمان کل الگو در قسمت‌های مختلف ادوار زمانی، میزان و جهت اثر می‌تواند متفاوت باشد.

اتخاذ دو سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و حساب ذخیره ارزی در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ تغییرات ساختاری مهمی در

اقتصاد ایران تلقی می‌شوند و الگوی اقتصادسنجی کلان ایران به دلیل این که از اطلاعات سال ۱۳۸۰ به‌بعد استفاده ننموده، باید میزان اثر این دو سیاست را درمناظر قرار دهد. امید است که در ویرایش‌های بعدی این الگو، به این مبحث نیز پرداخته شود. نرخ‌های بهره تنوع زیادی در بخش پولی کشور - اعم از متشکل و غیرمتشکل - دارند. سپرده‌ها و تسهیلات نیز انواع مختلفی در بازار پولی دارند. متغیرهایی که در این بررسی مورد استفاده قرار می‌گیرند، میانگین وزنی نرخ بهره انواع تسهیلات بانکی و میانگین وزنی نرخ بهره انواع سپرده‌های بانکی و میانگین ساده نرخ بهره بازار غیرمتشکل می‌باشند. با توجه به این موضوع، حاشیه بهره بانکی برای نرخ‌های وزنی پایین‌تر از چیزی می‌باشد که در اذهان عموم وجود دارد. لذا برای تحلیل سناریوهای مختلف، نمی‌توانیم نرخ بهره تسهیلات بانکی را به میزان زیادی پایین آوریم، چون حاشیه بهره بانکی بیش‌ازحد کم می‌شود و لذا ساختار تحلیلی الگو خود را از دست می‌دهد، چون در حاشیه بهره بانکی پایین، بانک‌ها به ضرردهی میل می‌کنند.

از طرف دیگر، برای این که جواب شبیه‌سازی‌ها انطباق بیشتری با واقعیت داشته باشد، بایست مقادیر متغیرهای سیاستی تا حد امکان نزدیک به میانگین باشند و لذا باید آنها را به گونه‌ای تغییر داد که از مقادیر واقعی زیاد دور نشوند. در غیر اینصورت، احتمال انطباق پاسخ‌ها با واقعیت با دور شدن از میانگین همچنان کمتر خواهد شد. این مساله در اثر بزرگ شدن خطای شبیه‌سازی اتفاق می‌افتد.

تغییر شدید متغیرهای سیاستگذاری در کوتاه‌مدت نیز می‌تواند به عدم‌انطباق رفتار شبیه‌سازی‌شده با واقعیت بینجامد. لذا سناریوهای تدریجی می‌توانند پاسخ‌های بهتری را عرضه نمایند. بر این اساس، سناریوی ۵ در این شبیه‌سازی مطرح گردید.

برای بررسی آثار کاستن از نرخ بهره، پنج سناریوی زیر را در نظر می‌گیریم:

سناریو ۱: نرخ بهره تسهیلات بانکی به میزان یک درصد برای چهار سال آخر نمونه کاهش داده شود.

سناریو ۲: نرخ بهره تسهیلات بانکی به میزان دو درصد برای چهار سال آخر نمونه کاهش داده شود.

سناریو ۳: نرخ بهره تسهیلات بانکی به میزان سه درصد برای چهار سال آخر نمونه کاهش داده شود.

سناریو ۴: نرخ بهره تسهیلات بانکی به میزان چهار درصد برای چهار سال آخر نمونه کاهش داده شود.

سناریو ۵: نرخ بهره تسهیلات بانکی به میزان یک درصد سالانه برای چهار سال آخر نمونه کاهش داده شود. به عبارت دیگر، نرخ بهره مزبور را در سال اول ۱٪، در سال دوم ۲٪، در

در ایران، همانند سایر کشورهای در حال توسعه، میل نهایی به پس‌انداز، در حد پایینی قرار دارد.

اقتصادی از طریق افزایش تولید ناخالص داخلی غیرنفتی برجای می‌گذارد. همانطور که در جدول شماره هشت ملاحظه می‌شود، اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی در افزایش تولید ناخالص داخلی کاملاً محسوس و پراهمیت است، ولی در همه سال‌ها یکسان نیست.

یکی از مسیرهای افزایش تولید ناخالص داخلی غیرنفتی در اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی، همانا افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری در اقتصاد است که این موضوع در جدول شماره نه نشان داده شده است. کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی، اثر مثبت و قابل‌ملاحظه‌ای بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد دارد. گرچه میزان این واکنش در همه سال‌ها یکسان

سال سوم ۳٪ و در سال چهارم ۴٪ کاهش می‌دهیم. این سناریو به این دلیل مطرح گردیده که اجازه تعدیلات لازم به اقتصاد برای تطبیق خود با سیاست کاهش نرخ بهره داده شود.

سناریوهای فوق جداگانه شبیه‌سازی و خلاصه نتایج حاصله در زیر آورده شده است. براساس شبیه‌سازی‌های انجام‌شده، ملاحظه می‌شود که کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی، باعث کاهش تقاضای واردات و عرضه صادرات در بازرگانی خارجی ایران خواهد شد. همانطور که در جدول شماره شش نشان داده می‌شود، کاهش واردات بسیار بیشتر از کاهش صادرات خواهد بود و نتیجتاً کاهش نرخ بهره تسهیلات، منجر به بهبود تراز تجاری کشور خواهد شد.

جدول شماره شش

اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بر تراز تجاری کشور

سناریو	نام متغیر	تغییر جواب شوک به جواب کنترل (درصد)			
		۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷
۱	واردات کالا به قیمت ثابت	-۲/۲	-۱/۰	-۰/۲	۰/۵
۲	واردات کالا به قیمت ثابت	-۵/۰	-۲/۵	-۰/۵	۱/۰
۳	واردات کالا به قیمت ثابت	-۷/۸	-۳/۹	-۰/۷	۱/۵
۴	واردات کالا به قیمت ثابت	-۱۰/۲	-۵/۰	-۰/۹	۲/۰
۱	صادرات کالاهای غیرنفتی به قیمت ثابت	-۰/۴	-۰/۱	-۰/۱	۰/۰
۲	صادرات کالاهای غیرنفتی به قیمت ثابت	-۱/۰	-۰/۶	-۰/۱	۰/۰
۳	صادرات کالاهای غیرنفتی به قیمت ثابت	-۱/۶	-۰/۹	-۰/۱	۰/۱
۴	صادرات کالاهای غیرنفتی به قیمت ثابت	-۱/۹	-۱/۰	-۰/۱	۰/۲

جدول شماره هفت

اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی بر افزایش حجم نقدینگی

سناریو	نام متغیر	تغییر جواب شوک به جواب کنترل (درصد)			
		۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷
۱	نقدینگی	۴/۴	۳/۳	۲/۹	۲/۰
۲	نقدینگی	۹/۰	۸/۱	۵/۹	۴/۰
۳	نقدینگی	۱۳/۹	۱۲/۶	۸/۸	۶/۰
۴	نقدینگی	۱۸/۶	۱۶/۳	۱۱/۸	۷/۸

نیست، ولی حساسیت این متغیر نسبت به کاهش نرخ بهره تسهیلات، در همه سناریوها و در همه سال‌های انتخاب‌شده برای شبیه‌سازی به‌وضوح پیدا است.

از سوی دیگر، براساس جدول شماره ده، می‌توان نتیجه گرفت که رفاه جامعه با کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی از طریق افزایش مصرف بخش خصوصی در اقتصاد افزایش می‌یابد. میزان این افزایش در مصرف خصوصی، گرچه کمتر از افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری است، ولی همچنان محسوس و قابل‌اهمیت است.

طبق جدول شماره هفت، کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی در سناریوهای چهارگانه، باعث افزایش حجم نقدینگی در کشور خواهد شد. این افزایش خالص اثر کاهش نرخ بهره بر عرضه و تقاضای پول است. روند افزایش حجم نقدینگی، واکنش شدیدی نسبت به کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی از خود نشان می‌دهد و بر شدت این واکنش افزایشی در سال‌های متوالی همچنان افزوده می‌شود. این موضوع به‌وضوح در جدول شماره هفت نمایان است.

کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی، اثر مثبتی هم بر رشد

در ایران، به علت وجود تنگناهای ساختاری و ریسک سرمایه‌گذاری، نه تنها سیاست پولی انبساطی تأثیری بر تولید ندارد، بلکه به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم منجر می‌شود.

جدول شماره هشت

اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بر افزایش تولید ناخالص داخلی

تغییر جواب شوک به جواب کنترل (درصد)					اثر شوک‌های کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی	
معدل	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	(به قیمت بازار به قیمت ثابت)	سناریو
۱/۱	۱/۱	۱/۲	۱/۲	۱/۰	تولید ناخالص داخلی	۱
۲/۲	۲/۱	۲/۳	۲/۴	۲/۱	تولید ناخالص داخلی	۲
۳/۳	۳/۲	۳/۵	۳/۶	۳/۱	تولید ناخالص داخلی	۳
۴/۵	۴/۲	۴/۷	۴/۹	۴/۱	تولید ناخالص داخلی	۴
۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۱/۲	تولید ناخالص داخلی غیرنفتی	۱
۲/۵	۲/۳	۲/۶	۲/۷	۲/۳	تولید ناخالص داخلی غیرنفتی	۲
۳/۷	۳/۴	۳/۸	۴/۰	۳/۵	تولید ناخالص داخلی غیرنفتی	۳
۴/۹	۴/۶	۵/۱	۵/۴	۴/۷	تولید ناخالص داخلی غیرنفتی	۴

جدول شماره نه

اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بر افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری

تغییر جواب شوک به جواب کنترل (درصد)					اثر شوک‌های کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی	
معدل	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	نام متغیر	سناریو
۴/۴	۳/۰	۴/۱	۵/۵	۵/۱	سرمایه‌گذاری خصوصی به قیمت ثابت	۱
۸/۶	۵/۶	۷/۹	۱۰/۹	۱۰/۱	سرمایه‌گذاری خصوصی به قیمت ثابت	۲
۱۲/۹	۸/۲	۱۱/۷	۱۶/۴	۱۵/۲	سرمایه‌گذاری خصوصی به قیمت ثابت	۳
۱۷/۳	۱۱/۱	۱۵/۸	۲۱/۹	۲۰/۳	سرمایه‌گذاری خصوصی به قیمت ثابت	۴

جدول شماره ده

کاهش نرخ بهره تسهیلات و اثر آن بر رفاه جامعه

تغییر جواب شوک به جواب کنترل (درصد)					اثر شوک‌های کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی	
معدل	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	نام متغیر	سناریو
۰/۸	۰/۹	۰/۹	۰/۸	۰/۶	مصرف خصوصی به قیمت ثابت	۱
۱/۶	۱/۷	۱/۷	۱/۶	۱/۳	مصرف خصوصی به قیمت ثابت	۲
۲/۴	۲/۶	۲/۶	۲/۴	۱/۹	مصرف خصوصی به قیمت ثابت	۳
۳/۲	۳/۴	۳/۴	۳/۲	۲/۵	مصرف خصوصی به قیمت ثابت	۴

خواهد شد. این افزایش در سال‌های اولیه کم است، ولی در سال‌های بعد بر شدت آن افزوده می‌شود. مسلماً اعمال سیاست توأم فروش ارز در بازار داخلی، می‌تواند از شدت این اثر بکاهد که در شبیه‌سازی‌های فعلی در مدنظر قرار نگرفته است.

افزایش نرخ تورم هم از دیگر آثار سیاست کاهش نرخ بهره می‌باشد. همانطور که در جدول شماره دوازده مشاهده می‌شود، در دوره موردنظر با کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی، نرخ تورم افزایش می‌یابد. علت این افزایش از دو طریق افزایش خالص تقاضای پول و خالص تقاضای کالاها و خدمات در اقتصاد می‌باشد. کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی، یکی از سیاست‌های

در الگوی اقتصادسنجی کلان ایران، عرضه و تقاضای پول‌های داخلی و خارجی در ارتباط با سایر متغیرهای اقتصاد کلان اساس تعیین نرخ ارز است. همانطور که ملاحظه شد، کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی، باعث بهبود تراز تجاری خواهد شد که این متغیر از طریق افزایش خالص دارایی‌های خارجی، باعث افزایش حجم نقدینگی از یک سو و کاهش نرخ برابری اسعار خارجی از سوی دیگر می‌شود، ولی میزان اثر افزایش نقدینگی - چه از این طریق و چه از طریق افزایش تقاضای پول - از طریق مکانیزم‌های پولی بیش از اثر بهبود تراز تجاری بوده و نهایتاً باعث افزایش نرخ برابری اسعار خارجی

در اقتصاد ایران، به علت محدودیت منابع مالی دولت، عملاً سیاست‌های پولی به سیاست‌های مالی مربوط شده و استقلال سیاست پولی را تضعیف نموده است.

جدول شماره یازده

کاهش نرخ بهره تسهیلات و نرخ برابری اسعار خارجی

تغییر جواب شوک به جواب کنترل (درصد)					اثر شوک‌های کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی	
معدل	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	(ریال بر حسب هر واحد دلار)	سناریو
۵/۸	۱۰/۶	۵/۶	۳/۹	۳/۲	نرخ ارز بازار غیررسمی	۱
۱۲/۴	۲۱/۷	۱۳/۸	۷/۹	۶/۳	نرخ ارز بازار غیررسمی	۲
۱۹/۱	۳۳/۵	۲۱/۶	۱۱/۸	۹/۵	نرخ ارز بازار غیررسمی	۳
۲۵/۲	۴۴/۹	۲۷/۸	۱۵/۷	۱۲/۴	نرخ ارز بازار غیررسمی	۴

جدول شماره دوازده

اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بر نرخ تورم

تغییر جواب شوک به جواب کنترل (درصد)					اثر شوک‌های کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی	
معدل	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	نام متغیر	سناریو
۰/۹	۱/۵	۰/۵	۰/۷	۰/۷	شاخص قیمت مصرف‌کننده	۱
۲/۲	۳/۲	۲/۹	۱/۵	۱/۴	شاخص قیمت مصرف‌کننده	۲
۳/۶	۵/۱	۵/۰	۲/۱	۲/۱	شاخص قیمت مصرف‌کننده	۳
۴/۵	۶/۷	۵/۷	۲/۸	۲/۶	شاخص قیمت مصرف‌کننده	۴

افزایش اشتغال نیز تلقی می‌شود. در جدول شماره سیزده، روند افزایش اشتغال در اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات را مشاهده می‌نماییم.

با کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی، نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی نیز افزایش می‌یابد. باید دقت نمود که ارقام ذکر شده در جدول شماره چهارده، افزایش نرخ بهره می‌باشند و نه مابه‌التفاوت نرخ بهره در قبل و بعد از شوک. به عبارت دیگر، اگر

نرخ بهره در بازار غیرمتشکل ۵۰ درصد بوده باشد و رقم درج شده در جدول شماره چهارده، پنج درصد باشد، معنی آن این است که نرخ بهره در بازار غیرمتشکل به ۵۲/۵ درصد افزایش پیدا کرده است، یعنی مابه‌التفاوت افزایش نرخ بهره ۲/۵ درصد است و نه پنج درصد. این ملاحظه در مورد تفسیر اعداد جدول شماره چهارده بسیار مهم است.

برای تصریح این موضوع، جدول شماره چهارده را با

جدول شماره سیزده

اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بر افزایش اشتغال

تغییر جواب شوک به جواب کنترل (درصد)					اثر شوک‌های کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی	
معدل	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	نام متغیر	سناریو
۰/۲	۰/۳	۰/۲	۰/۲	۰/۱	اشتغال	۱
۰/۴	۰/۶	۰/۵	۰/۴	۰/۳	اشتغال	۲
۰/۷	۰/۹	۰/۸	۰/۵	۰/۴	اشتغال	۳
۰/۹	۱/۲	۱/۱	۰/۷	۰/۵	اشتغال	۴

جدول شماره چهارده

اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی بر نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی

تغییر جواب شوک به جواب کنترل (درصد)					اثر شوک‌های کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی	
معدل	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	نام متغیر	سناریو
۲/۷	۲/۳	۰/۲	۲/۷	۵/۸	نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی	۱
۵/۷	۱/۸	۴/۱	۵/۴	۱۱/۵	نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی	۲
۸/۸	۲/۵	۷/۶	۸/۰	۱۷/۱	نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی	۳
۱۱/۶	۴/۸	۸/۵	۱۰/۹	۲۲/۴	نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی	۴

با توجه به توانایی کنترل مقامات پولی بر نرخ بهره اسمی بانکی، تنها راه قابل قبول برای تحریک بخش واقعی اقتصاد، همانا کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی است.

حالت تحت عنوان سناریوی ۵ در جدول شماره شانزده آورده شده است.

ظرفیت مالی بانکها برای کاهش چهار درصد نرخ بهره

براساس آمار منتشره^(۵) مجموع دارایی‌های بانکهای غیردولتی و موسسات اعتباری غیربانکی در بهمن ماه سال ۸۳ بیش از ۷۱۸۲۰ میلیارد ریال بوده است که با ۱۳۹ درصد افزایش، به ۱۷۱۷۳۰ میلیارد ریال در بهمن ماه ۸۴ رسیده

استفاده از جدول نرخ بهره بازار غیرمتشکل پولی به جدول شماره پانزده که مابه‌التفاوت تغییر در نرخ بهره بازار غیرمتشکل پولی را نشان می‌دهد، تبدیل می‌نماییم. چون نرخ بهره به درصد تعریف می‌شود، لذا ارقام زیر نیز به درصد می‌باشند (یعنی تغییرات هستند و نه درصد تغییرات). لازم به ذکر است که افزایش نرخ بهره بازار غیرمتشکل به علت مکانیزم‌های دوگانگی پولی در اقتصاد ایران است، ولی عمدتاً افزایش این نرخ، به علت افزایش نرخ تورم و افزایش پس‌انداز بخش خصوصی جاری می‌باشد.

جدول شماره پانزده

بار دیگر اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی بر بازار غیرمتشکل پولی

مابه‌التفاوت تغییر جواب شوک از جواب کنترل (درصد)					اثر شوک‌های کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی	
معدل	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	نام متغیر	سناریو
۱/۱	۱/۳	۰/۱	۰/۹	۲/۲	نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی	۱
۲/۴	۱/۰	۲/۴	۱/۹	۴/۳	نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی	۲
۳/۸	۱/۴	۴/۵	۲/۸	۶/۵	نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی	۳
۴/۹	۲/۶	۵/۰	۳/۸	۸/۵	نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی	۴

جدول شماره شانزده

سناریوی شماره ۵

تغییر جواب شوک به جواب کنترل (درصد)					اثر شوک یک درصد کاهش سالانه در نرخ بهره تسهیلات بانکی سال قبل	
معدل	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷		
-۱/۴	-۴/۹	-۱/۴	۰/۲	۰/۵	واردات کالا به قیمت ثابت	
-۰/۳	-۰/۸	-۰/۲	۰/۰	۰/۰	صادرات کالاهای غیرنفتی به قیمت ثابت	
۷/۲	۱۳/۷	۸/۴	۴/۷	۲/۰	نقدینگی	
۲/۷	۴/۲	۳/۲	۲/۲	۱/۰	تولید ناخالص داخلی، قیمت بازار، قیمت ثابت	
۲/۹	۴/۶	۳/۶	۲/۴	۱/۲	تولید ناخالص غیرنفتی، قیمت بازار، قیمت ثابت	
۱۰/۳	۱۳/۵	۱۲/۲	۱۰/۳	۵/۱	سرمایه‌گذاری خصوصی به قیمت ثابت	
۱/۸	۳/۰	۲/۲	۱/۴	۰/۶	مصرف خصوصی به قیمت ثابت	
۱۴/۳	۳۳/۲	۱۴/۳	۶/۳	۳/۲	نرخ ارز بازار غیررسمی، ریال به هر دلار	
۲/۴	۵/۲	۲/۵	۱/۳	۰/۷	شاخص قیمت مصرف‌کننده	
۰/۵	۱/۱	۰/۶	۰/۳	۰/۱	اشتغال	
۸/۷	۱۳/۳	۷/۸	۷/۸	۵/۸	نرخ بهره در بازار غیرمتشکل پولی	

است. مجموع دارایی‌های بانکهای غیردولتی و موسسات اعتباری غیربانکی در بهمن ماه ۸۵، به ۳۱۱۹۲۰ میلیارد ریال رسیده که افزایش ۸۱/۶ درصدی را طی یک سال نشان می‌دهد و ظرف دو سال ۴/۳ برابر شده است. براساس آمارهای بانک مرکزی، بانکهای غیردولتی و موسسات اعتباری غیربانکی در بهمن ماه سال ۸۳ حدود ۳۰۰۰ میلیارد ریال دارایی خارجی داشتند که این رقم در بهمن ماه ۸۴، با ۳۴۴ درصد رشد، به ۱۳۳۹۰ میلیارد ریال و در بهمن ماه ۸۵، با رشد ۳/۳ درصدی،

شبه‌سازی‌های فوق حاکی از این بود که کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی، باعث رونق اقتصادی و افزایش رفاه اقتصادی جامعه می‌گردد، لذا برآن شدید تا سناریوی پنجمی را نیز طرح نماییم. براساس این سناریو، طی مدت چهار سال نرخ بهره تسهیلات بانکی هم‌ساله به میزان یک درصد در سال کاهش می‌یابد. براساس این سناریو، نرخ میانگین موزون بهره تسهیلات بانکی در سال‌های اول تا چهارم به ترتیب ۱٪، ۲٪، ۳٪ و ۴٪ کاهش یافتند و نتایج خلاصه شبه‌سازی الگو در این

■ ■ ■
علی‌القاعده در جریان اتخاذ سیاست کاستن نرخ بهره تسهیلات، می‌بایست سیاست کاهش نرخ بهره سپرده‌ها را نیز در نظر گرفت.
 ■ ■ ■

نرخ سود بیش از دو درصد در نظر گرفته شود، سرعت اصلاح ساختار بانکی و همچنین ساختار اقتصاد کشور و در نتیجه، رشد اقتصادی و رفاه عمومی بیشتر نیز خواهد شد و بدین ترتیب، سیاست‌های کاهش نرخ بهره نه تنها تأیید می‌شود، بلکه توصیه می‌شود که میزان رقم کاهش نرخ بهره در قدم بعدی بیش از مقدار اخیر باشد.

اثر کاهش نرخ بهره در تحول نهادهای مالی

یکی از منافع سیاست کاهش نرخ بهره بانکی، فشار اجباری این نرخ بر نهادهای مالی کشور است. کاهش نرخ بهره بانکی، اهرم فشاری است که بانک مرکزی و سایر بانک‌ها را در وضعیتی قرار می‌دهد تا نسبت به اصلاح ساختار مالی خود اقدام نمایند. سیاست کاهش نرخ بهره بانکی، عملاً فشار مستقیمی را بر بانک مرکزی و همچنین بر بانک‌های دولتی و خصوصی و سایر نهادهای مالی وابسته برای اصلاح ساختار مالی آنان وارد می‌آورد. زمانی که نرخ بازدهی پول در بازار سرمایه دچار کاهش می‌شود، کلیه نهادهای بانکی و مالی باید بتوانند در این بازار جدید بقای خود را حفظ کنند، به طوری که با پایین آوردن بهای تمام‌شده خدمات بانکی، بازدهی را افزایش دهند و بر کارایی بانک بیفزایند تا خود را در شرایط رقابتی قرار دهند، هر چند که این بهبود در نظام بانکی با شلاق کاهش نرخ بهره صورت گیرد. همانطور که قبلاً هم اشاره شد، پایین آمدن نرخ بهره تسهیلات، بدون این که نرخ بهره سپرده‌ها را تغییر دهد، موجب کاهش سود بانک‌ها خواهد شد. کاهش پنج درصدی نرخ بهره، تأثیر شدیدی بر سودآوری بانک‌های خصوصی در کوتاه‌مدت خواهد داشت و عملاً موجب می‌شود که تقاضای خرید سهام این بانک‌ها در بورس کاهش یابد و برخی از صاحبان سهام این بانک‌ها اقدام به فروش سهام خود کنند. به عبارت دیگر، سبب جابجایی سرمایه از بانک‌های خصوصی به سایر شرکت‌های بورسی خواهد شد. بدیهی است که در کوتاه‌مدت و لااقل در سال جاری، به شرطی که بانک‌ها راه‌حل‌های فرعی را برای دورزدن سیاست کاهش نرخ بهره نیابند، سال کم‌سودی را پشت سر خواهند گذاشت، اما به‌طور حتم در سال‌های آتی با تغییر ساختار فعالیت‌های خود و با افزایش بازدهی و کاهش بهای تمام‌شده خدمات خود، وضعیت بهتری خواهند داشت. از سوی دیگر، زمانی که نرخ بهره بین دو گروه بانک‌های خصوصی و دولتی یکسان باشد، مسلماً رقابت شدیدی در جلب مشتری بین این دو دسته پدیدار خواهد شد و در این رقابت، بانک‌های خصوصی به دلیل طبیعت کارا تر خود موفقتر خواهند بود. بنابراین، زودتر از بانک‌های دولتی به وضعیت بهتر اقتصادی بر خواهند گشت. مسلماً کاهش نرخ بهره، صف متقاضیان وام و تسهیلات را بیشتر می‌کند و در صورت عدم پوشش تقاضای ایجادشده توسط

به ۱۳۸۴۰ میلیارد ریال افزایش یافت. بدهی بخش غیردولتی به بانک‌های غیردولتی و موسسات اعتباری غیربانکی در بهمن ماه سال ۸۳، بیش از ۴۲۷۸۰ میلیارد ریال بوده است که با افزایش ۱۱۸ درصدی، به ۹۳۲۶۰ میلیارد ریال در بهمن ماه ۸۴ و با رشد ۷۰ درصدی، به ۱۵۸۴۵۰ میلیارد ریال در بهمن ماه ۸۵ رسیده است. سپرده‌های بخش غیردولتی در بانک‌های غیردولتی و موسسات اعتباری غیربانکی در بهمن ماه سال ۸۳ کمتر از ۴۱۰۰۰ میلیارد ریال بوده است که این رقم با ۱۳۸ درصد افزایش، به ۹۷۴۲۰ میلیارد ریال در بهمن ماه ۸۴ و با ۸۴ درصد رشد، به ۱۷۹۵۰۰ میلیارد ریال در بهمن ماه ۸۵ افزایش یافته است. حساب سرمایه بانک‌های غیردولتی و موسسات اعتباری غیربانکی که در بهمن ماه ۸۳ حدود ۳۴۰۰ میلیارد ریال موجودی داشت، پس از دو سال، یعنی در بهمن ماه ۸۵ به ۱۶۹۲۰ میلیارد ریال رسید. بانک‌های غیردولتی و موسسات اعتباری غیربانکی در بهمن ماه ۸۳ حدود ۳۰۰۰ میلیارد ریال وام و سپرده ارزی داشتند که این رقم در بهمن ماه ۸۵ به ۱۳۳۴۰ میلیارد ریال افزایش یافته است.

از طرف دیگر، براساس گزارش بانک مرکزی^(۶)، مطالبات معوق و سررسیدگذشته بانک‌ها در پایان بهمن ماه سال ۱۳۸۵ به ۱۱۰۲۷۳ میلیارد ریال افزایش یافته است، یعنی ۱۰/۱ درصد از کل تسهیلات بانک‌های کشور به صورت مطالبات معوق و سررسیدگذشته است. بنابراین، مطالبات معوق و سررسیدگذشته بانک‌ها که در اسفند ماه سال ۸۴ بیش از ۶۹۰۰۰ میلیارد ریال بوده، طی ۱۱ ماه اول سال گذشته، بیش از ۶۱ درصد افزایش یافته و مطالبات معوق و سررسیدگذشته بانک‌ها طی این ۱۱ ماه، با افزایش ۴۳۰۰۰ میلیارد ریالی مواجه شده است. براساس گزارش رسمی بانک مرکزی^(۷) کاهش دو درصدی نرخ بهره تسهیلات بانک‌ها منجر به کاهش درآمد بانک‌ها تا حدود ۹۲۰۰ میلیارد ریال می‌گردد. این در حالی است^(۸) که رقم سود بانک‌ها در سال گذشته بالغ بر ۱۷۰ هزار میلیارد ریال برآورد شده است. عملکرد بانک‌ها در ایران نشان داد که آنها توانایی کاهش بهای خدمات بانکی را دارند. تبلیغات بانک‌ها مبنی بر رقابت برای پرداخت نرخ‌های سود بالا به سپرده‌های پس‌انداز هم نشان می‌دهد که بانک‌ها همچنان توانایی استفاده از منابع و حصول سود از این منابع را دارند. سال گذشته با فشار شورای پول و اعتبار مبنی بر کاهش نرخ بهره بانکی، بانک‌ها نرخ‌های بهره بالایی را برای سپرده‌های پس‌انداز کوتاه‌مدت شش‌ماهه پرداخت می‌نمایند که این موضوع دلالت بر توانایی بانک‌ها برای تطبیق خود با شرایط کاهش نرخ بهره بانکی دارد. همه این موارد دلالت بر این دارند که نه تنها بانک‌ها در اثر کاهش نرخ بهره زیان نمی‌کنند، بلکه توانایی تحمل کاهش نرخ بهره بیش از این را هم دارند. لذا چنانچه میزان تنزل در کاهش

کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی، باعث کاهش تقاضای واردات و عرضه صادرات در بازرگانی خارجی ایران خواهد شد.

□ اجازه ورود بانک‌های جدید به صحنه بازار خدمات بانکی.
□ گشودن حساب سرمایه برای ورود منابع خارجی به داخل کشور.

تا قبل از اجرای سیاست کاهش نرخ سود، هیچ‌یک از نهادهای مالی کشور با روش‌های مذکور در فوق موافق نبودند، ولی در حال حاضر، ناگزیر به پذیرش این روش‌ها هستند.

اوراق مشارکت دولتی و خصوصی: بر اساس تعریف، سود اوراق مشارکت، باید پس از بهره‌برداری پروژه سرمایه‌گذاری، با احتساب میزان سود پروژه و سرمایه به کارگرفته شده، بین صاحبان سهام پروژه که بسیاری از آنان خریداران اوراق مشارکت هستند، توزیع شود. در این میان، بانک مرکزی و یا شبکه بانکی برای ایجاد اطمینان خریدار، سود حداقل اوراق را تضمین می‌نماید. حال اگر بانک‌ها تسهیلاتی با نرخ پایین‌تر عرضه کنند، عملاً برای افراد منفعت دارد که از بانک وام بگیرند و اوراق قرضه بخرند. کاهش سریع و شدید نرخ بهره، عملاً این شبهه را به وجود آورده است که بانک‌ها و مردم برای پوشش خود در برابر کاهش شدید نرخ بهره و همچنین انتفاع بیشتر از منابع، خرید اوراق مشارکت را در مدنظر قرار دهند. لذا بانک مرکزی در شرایط پیش‌آمده باید تمهیدات لازم را در مورد فروش اوراق جدید فراهم آورد، و با پایین آوردن نرخ حداقل تضمینی سود اوراق و اجازه دادن به بخش خصوصی برای انتشار اوراق مشارکت، وضعیت را به شرایط بهتری تبدیل کند.

رقابت بانک‌های داخلی و خارجی: راه‌حل اساسی اصلاح سیستم بانکی، فعال شدن همزمان بانک‌های داخلی و خارجی است تا بدین طریق، بانک‌ها - اعم از ایرانی و خارجی و یا مشترک - به بازار خدمات بانکی ایران وارد شوند. ورود بانک‌ها به این عرصه، به معنای رقابت بین بانک‌ها و در نهایت کاهش نرخ بهره است و در شرایط فعلی که بانک مرکزی سیستم پولی کشور را به حالت انجماد نگهداشته و اجازه تحولات عمیق در سیستم پولی و بانکی کشور را نمی‌دهد، فشار نرخ بهره و لزوم عرضه منابع مالی بیشتر این آزادسازی را موجه‌تر خواهد نمود. بدون تردید، سهمین شدن بانک‌های خارجی در فعالیتهای بانکی کشور سبب می‌شود تا خدمات مالی ارزانتر در اختیار متقاضیان قرار گیرد و نقل و انتقالات پولی و همچنین دریافت و پرداخت ارزی که در ایران کند و گران است، سریع و ارزان شود. تاثیرات حضور بانک‌های خارجی در کشور در نهایت سبب اصلاح سیستم بانکی کشور می‌شود، زیرا سیستم بانکی ما در مقایسه با بانک‌های خارجی، پرهزینه و رانت‌جویانه است. بانک‌های خارجی به دلیل داشتن سرمایه خارجی و تبعیت از بازار بین‌المللی، توانایی آن را دارند تا با نرخ‌های بهره پایین‌تر از نرخ‌های فعلی، منابع مالی خود را عرضه نمایند.

بانک‌ها، گسترش فساد اداری و پارتی‌بازی افزایش پیدا خواهد کرد، زیرا با توجه به محدود بودن منابع بانکی برای پرداخت تسهیلات، کسانی در اولویت قرار خواهند گرفت که دارای شرایط ویژه‌ای باشند!

علاوه بر این، اگر فاصله بین دو نرخ بهره سپرده و بهره تسهیلات که به آن حاشیه بهره می‌گویند، ثابت بماند، سبب ایجاد عدم تعادل در منابع و مصارف بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری می‌گردد، به طوری که بانک‌ها با افزایش تقاضا و کاهش عرضه منابع پولی مواجه می‌شوند. این مساله از دید بعضی از تحلیلگران به معنای عدم توانایی بانک در پاسخگویی به منابع تقاضا شده است. بنابراین، تقاضای پاسخ‌داده نشده به بازار غیرمتشکل پولی منتقل می‌شود. این تحلیل می‌تواند در مجموع درست باشد، اما باید میزان این اثر را اندازه‌گیری کرد. در واقع، با توجه به حساسیت کم تقاضای پول در نرخ‌های بهره بالا، عملاً این اتفاق قابل تصور نیست. به عبارت دیگر، شرایط اقتصاد ایران به دلیل ریسک بالا نشان داده است که کشش یا حساسیت نرخ بهره‌ای تقاضای پول در نرخ‌های بالای بهره، تقریباً قابل‌اهمیت نیست و نمی‌تواند اقتصاد را از تعادل خارج سازد. مسلماً این تحلیل‌ها در شرایطی صادق است که نرخ سود سپرده‌ها و نرخ بهره تسهیلات هر دو به یک میزان کاهش یابند. در ایران، فاصله نرخ بهره تسهیلات و نرخ بهره سپرده‌ها بسیار زیاد است، در صورتی که این رقم در بسیاری از کشورها کم و حتی نزدیک به صفر می‌باشد. با توجه به این که سود بانک‌ها از این مابه‌التفاوت به دست می‌آید و این حاشیه در ایران عریض است، لذا عملاً باریک کردن حاشیه بهره، باعث افزایش تلاش سیستم بانکی برای بهبود کارایی و کاهش بهای تمام شده خدمات بانکی خواهد شد.

کاهش نرخ بهره، باعث فشارهای بعدی بر بانک مرکزی در جهت اعمال سیاست‌های انقباضی پولی است و باید بانک مرکزی نیز همانند سایر بانک‌ها در سیستم بانکی بتواند در چارچوب موجود سیاست‌های انقباضی پولی داشته باشد. همانطور که گفته شد، علت تورم در ایران، سیاست‌های پولی انبساطی بانک مرکزی است و راه‌حل تورم نیز سیاست‌های انقباضی پولی بانک مرکزی خواهد بود. فشار کاهش نرخ بهره اجباراً باعث می‌شود تا بانک مرکزی سلسله اقداماتی را در جهت اعمال سیاست‌های جدی انقباضی پولی به عمل آورد.

ضرورت طرح شیوه‌های تامین مالی جدید از سوی بانک مرکزی، دولت و مجلس در شرایط فعلی کشور نیز می‌تواند از جمله موارد زیر باشد:

□ اجازه صدور اوراق مشارکت توسط بخش خصوصی برای تامین مالی سرمایه‌گذاری‌های این بخش.
□ اجازه فعالیت بانک‌های خارجی در کشور.

بر اساس گزارش رسمی بانک مرکزی، کاهش دو درصدی نرخ بهره تسهیلات بانک‌ها، منجر به کاهش درآمد بانک‌ها تا حدود ۹۲۰۰ میلیارد ریال می‌شود.

سمت کاهش هزینه شرکت و افزایش نرخ بازدهی آنها سبب بالارفتن بیشتر ارزش سهام می‌شود.

بازار غیرمتشکل پولی در حاشیه بازار متشکل، همین ملاحظات را - ولی با ریسک بالاتر - به‌عنوان رقیب و مکمل بازار بورس دارد؛ "رقیب" از بابت این که در تغییرات نرخ بازدهی سهام عملاً می‌تواند جای آن بازار را از لحاظ جلب منابع پر کند و "مکمل" از این بابت که چنانچه بازار سهام به شکل پیشرو با نرخ بازدهی بالا حرکت کند، بسیاری از متقاضیان سهام اقدام به اخذ تسهیلات اعتباری از بانک‌ها می‌کنند تا در بورس سهام سرمایه‌گذاری کنند و در نتیجه، از این جابجایی منابع حاشیه سودی را به‌دست آورند. این موضوع در زمانی اتفاق می‌افتد که نرخ بازدهی سهام بیش از نرخ بهره تسهیلات باشد. در رابطه با نرخ بهره بانکی و شاخص سهام براساس سازوکاری که گفته شد، سیاست‌های تغییر نرخ بهره مسلماً اثرات مستقیمی بر بازار سهام خواهد داشت. وقتی نرخ بهره‌های تسهیلات و سپرده‌ها هر دو کاهش یابد، مسلماً تقویت بورس را شاهد خواهیم بود.

به‌طورکلی، از یک سو در صورت پایین‌آمدن نرخ بهره سپرده‌ها، عملاً منابع به سمت بورس حرکت خواهند کرد و از طرف دیگر، با پایین‌آمدن نرخ بهره تسهیلات، شرکت‌های بورسی توانایی بیشتری در توسعه فعالیت‌های خود خواهند داشت. بنابراین، سیاست کاهش نرخ بهره، عملاً سبب تقویت بورس و افزایش بنیه آن و قیمت سهام خواهد شد.

تفاوت‌های نرخ‌های بازدهی در بین بازارهای پولی و مالی، عامل اساسی جابجایی سرمایه است، ولی دو بازار پولی و مالی کشور از لحاظ ریسک ساختاری مشابه هم نیستند. اصولاً نرخ‌های بهره باثبات و طبق قراردادهای مختلف به نحوی مشخص و معین می‌شود و در طول مدت سرمایه‌گذاری به راحتی نمی‌توان تغییرات زیادی را در آن ایجاد کرد، به‌جز تغییرات حاشیه‌ای کمی که بین سود قطعی و علی‌الحساب مطرح است؛ ولی بازار مالی با شنیدن کوچکترین خبر تشنج‌آور، دچار تلاطم می‌شود و قیمت سهام به‌سرعت بالا یا پایین می‌رود و ارزش هر سهم از یک شرکت به شرکت دیگر تاثیر گذاشته و کل بازار را دچار تموج می‌کند، زیرا صاحبان سهام می‌توانند - برخلاف بازار پولی کشور - هر لحظه که بخواهند، سهام خود را با سهام دیگر یا دارایی‌های دیگر مبادله کنند. در نتیجه، محدودیتی در این عملیات نیست و ریسک این بازار به‌شدت بالاست و وقتی که ریسک بازار مالی بالا باشد، در نتیجه، باید این موضوع را نیز درمناظر داشت که اثر اعمال سیاست‌هایی مانند کاهش نرخ بهره، به‌راحتی در بازار مالی متبلور نشود، زیرا نرخ‌هایی که سرمایه‌گذاران در آن تصمیم به جابجایی دارایی‌های خود می‌گیرند، شامل ملاحظات ریسک در بازار مالی است، یعنی باید عملاً کاهش شدید نرخ بهره در بازار پولی اتفاق

بازکردن حساب سرمایه: حساب سرمایه در تراز پرداخت‌ها حسابی است که جریان نقل‌وانتقال سرمایه به داخل یا خارج از کشور را به‌عهده دارد. نظریه مهمی در اقتصاد به معنای سه‌گانه نرخ بهره - نرخ ارز - حساب سرمایه^(۹) مشهور است که تصریح می‌کند: نمی‌توان در اقتصاد یک کشور هم نرخ بهره، هم نرخ ارز و هم حساب سرمایه را با هم محدود و کنترل کرد. اما این اشتباه در بانک مرکزی ایران رخ می‌دهد، به نحوی که این سه عامل را هم‌زمان کنترل می‌کند. در صورتی که باید اجازه دهیم که لااقل یکی از این سه عامل قابلیت تغییر داشته باشد و اگر نرخ ارز و نرخ بهره را تثبیت کرده‌ایم، باید اجازه دهیم که حساب سرمایه آزادانه تغییر کند. در غیراینصورت، اقتصاد دچار عدم تعادل خواهد شد. در اقتصاد ایران، متأسفانه به علت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کوتاه‌نگرانه همانند رویه‌های کشورهای سوسیالیستی شوروی سابق، حساب سرمایه به‌شدت تحت‌کنترل بانک مرکزی و ضوابط و مقررات ارزی قرار گرفته است، و این موضوع نه‌تنها سبب کنترل جریان خروج ارز نشده، بلکه فرار سرمایه را تشدید نیز کرده است. اگر حساب سرمایه باز شود، می‌توان امیدوار بود که با توجه به بالابودن نرخ بهره در ایران نسبت به سایر کشورها، حجم عظیمی از سرمایه‌های خارجی به سمت ایران روانه شود و افزایش پول خارجی منجر به تقویت پول ملی و کاستن از نرخ بهره و عرضه منابع مالی کافی خواهد شد.

امروز در نظام بانکداری بین‌المللی، نگاه‌ها به سمت بانکداری اسلامی است و دارایی‌های بانک‌های اسلامی به یک تریلیارد دلار می‌رسد. با توجه به این که سرمایه‌گذاری در بانک‌های اسلامی به دلیل وجود مکانیزم‌های مشارکت در سود و زیان، ریسک کمتری دارد، لذا سرمایه‌گذاری در این بانک‌ها به عنوان یک گزینه خوب مورد توجه سرمایه‌گذاران بین‌المللی قرار دارد و این موضوع برای ایران می‌تواند به‌عنوان یک امتیاز مهم از لحاظ جلب سرمایه‌های خارجی تلقی گردد، ولی بانک مرکزی اجازه نداده است که سرمایه‌گذاران خارجی منابع مالی خود را به ایران بیاورند و در بانک‌های ایران سرمایه‌گذاری کنند. تحقق این امر باعث می‌شود که نرخ بهره کاهش یابد و پول ملی تقویت شود.

بازارهای مالی و پولی: هرگاه نرخ بهره سپرده‌ها در بانک‌ها کاهش یابد، چنانچه باقی شرایط ثابت بماند، مسلماً بخشی از منابع مالی بانک‌ها به سمت بورس سهام حرکت می‌کند و این موضوع سبب افزایش قیمت سهام به دلیل افزایش تقاضای خرید در بازار سهام خواهد شد. در عوض، اگر نرخ بهره تسهیلات کاهش یابد، این موضوع به سادگی کاهش نرخ بهره سپرده‌ها نیست. وقتی نرخ بهره تسهیلات کاهش یابد، شرکت‌های بورسی راحتتر می‌توانند اقدام به تامین منابع ارزانتر بنمایند و تامین مالی شرکت‌ها ارزانتر خواهد شد. این موضوع از

در ایران، فاصله نرخ بهره تسهیلات و نرخ بهره سپرده‌ها بسیار زیاد است، در صورتی که در بسیاری از کشورها این فاصله نزدیک به صفر است.

عملاً منجر به ناتوانی شبکه بانکی و سیاست‌های پولی کشور شد و در بدو امر، منشأ عدم توانایی بانک مرکزی در کنترل حجم پول شد و از سال ۱۳۶۰ ایران براساس همین قانون، متحمل تورم گردید. برعکس، در این سه دهه کشورهای غربی بدون تبعیت از کتب آسمانی و بدون شعار مبنی بر این که می‌خواهیم حسب امر تورات و انجیل با ربا مبارزه کنیم! به‌گونه‌ای اقدام کردند که ربا را در کشور خود از لحاظ ماهیت از بین بردند، یعنی شعاری که مسلمانان در ایران می‌دادند، آنها به آن شعار در کشور خود جامعه عمل پوشاندند. در کشورهای آسیای جنوب شرقی، نرخ بهره تا حد صفر تنزل پیدا کرد، ولی در ایران دیواری به دور کشور کشیده شد، به‌گونه‌ای که جریانات سرمایه‌ای متوقف گردید و نتیجتاً بهشت ویژه‌ای برای صاحبان منابع مالی و مرتبطین مقتدر آنها در دولت یا بخش شبه‌دولتی پدید آورد. در ایران نرخ بهره تا حدود ۴۰ درصد نیز مشاهده می‌شد و وقتی که جریمه تاخیر بازپرداخت وام در آن منظور می‌شد، ربح مرکب یا ربا به اضعاف مضاعف دریافت می‌شد، یعنی نه تنها ربا از بین نرفت، بلکه به شدت رایج شد و به صورت شدیدترین وجه آن که ربح مرکب است، اعمال گردید.

مهمترین موردی که در مساله ربا بین فقها مطرح است، تعریف دقیق ربا است. بر این اساس، خلاصه نظریات در مورد ربا را می‌توان در چند شرط خلاصه کرد که در صورت تحقق این شروط، ماهیت عملیات ربوی مشخص می‌شود^(۱۰):

□ شرط اول آن که، وام‌های مصرفی نباید با مازادی همراه گردد.

□ دوم، در وام‌های سرمایه‌گذاری، میزان مازاد نباید از قبل تعیین گردد.

□ و سوم آن که، وام‌دهنده باید در سود و زیان وام‌گیرنده شریک باشد.

با توجه به این شروط، بسیاری از عملیات بانکی ایران ماهیت ربوی دارند و بررسی این شروط در اقتصاد ایران بیانگر ربوی بودن بسیاری از عملیات مالی در بانک‌ها می‌باشد^(۱۱). بالاخص نرخ‌های بهره که از پیش شرط و تعیین می‌شوند، تقریباً تمامی عملیات بانکی، به‌ویژه در بخش اعطای تسهیلات را ربوی کرده‌اند. این در حالی است که کشورهای پیشرفته صنعتی، عملاً موضوعیت ربا را با پایین آوردن نرخ بهره در حدود دو درصد یا صفر از بین برده‌اند و عملاً بانک‌های آنها هزینه‌های خود را از محل ارایه خدمات تامین می‌نمایند، در صورتی که در ایران علیرغم این که بیش از دو دهه از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌گذرد، هنوز نرخ‌های بهره هم در سمت سپرده‌گذاری و هم تسهیلات وجود داشته و اکثر آنها از ماهیت ربوی برخوردار است. در بخش سپرده‌گذاری، با ایجاد تمهیداتی، نرخ بهره سپرده‌ها را از قبل به صورت نرخ بهره

بیفتد تا بلکه اثرات قابل‌شهود آن در بازار مالی دیده شود. بانک‌ها در نظام‌های آزاد دنیا به عنوان یک بنگاه اقتصادی حق دارند که دارایی‌های خود را به هر شکلی که صلاح می‌دانند، به انواع دارایی‌های دیگر تبدیل و یا سرمایه‌گذاری کنند. یکی از انواع اینگونه سرمایه‌گذاری‌ها هم استفاده از تفاوت‌های نرخ‌های بهره در سپرده‌گذاری‌های بانک‌ها است. زمانی که نرخ بهره سپرده‌ها در بانک‌های دیگر بالاتر از نرخ بهره تسهیلات در بانک موردنظر باشد، عملاً آن بانک به جای اعطای تسهیلات، اقدام به سپرده‌گذاری در بانک‌های دیگر می‌نماید. البته اختلاف نرخ‌های بهره میان بانک‌های مختلف در یک کشور آنقدر زیاد نیست که بانک‌ها بخواهند از این تفاوت نرخ‌ها بهره‌مند شوند و یا در بانک‌های دیگر سرمایه‌گذاری نمایند، اما در ایران به علت وجود دوگانگی در سیستم بانکی و وجود تفاوت نرخ‌های بهره بالا در بین بانک‌های دولتی و خصوصی، این مساله قابل‌مشاهده بود. به عبارت دیگر، برای بانک‌های دولتی مقرون‌به‌صرفه بود که منابع خود را به جای ارایه تسهیلات و مواجه شدن با مشکلات نظارت و مطالبه آن، در بانک‌های خصوصی سپرده‌گذاری کنند و از تفاوت نرخ‌های بهره میان بانک‌های دولتی و خصوصی با ریسک بسیار کم استفاده کنند و منابع خود را افزایش دهند، البته این موضوع به لحاظ نظریات اقتصادی بدون مشکل است، ولی عملاً بانک‌های دولتی را به کم‌کاری می‌کشاند. و از طرفی، قانونگذار هم بانک‌های دولتی را مکلف به پرداخت ارزان‌قیمت تسهیلات به متقاضیان نموده، ولی این بانک‌ها منابع خود را به جای اعطای تسهیلات، به عنوان سپرده در بانک‌های خصوصی سپرده‌گذاری می‌کنند! سیاست اخیر یکسان‌سازی نرخ‌های بهره در بانک‌های خصوصی و دولتی، به رفع این نقیصه کمک می‌نماید.

ربوی بودن عملیات بانکی و نرخ‌های بهره: پس از انقلاب، براساس دستور قرآن که ربا را به شدت حرام اعلام می‌نماید، مبارزه با ربا در برنامه دولت‌های مختلف قرار داشت، ولی عملاً عدم اطلاع کافی از فرایندهای اقتصادی و عدم به‌کارگیری تخصص‌های لازم در زمینه اقتصاد و همچنین طرح مواردی از قوانین مانند قانون عملیات بانکی بدون ربا، مجموعاً در شرایط تلاطم‌های بعد از انقلاب سبب شدند که نرخ بهره‌ای در ایران خلق شود که ماهیت ربوی آن بیش از قبل از انقلاب ظاهر می‌شود. مسلماً قانون عملیات بانکی بدون ربا، با نیت مبارزه با ربا طراحی و تصویب شد، ولی تنها با نیت نمی‌توان عملکرد پولی یک کشور را اصلاح کرد. قانون عملیات بانکی بدون ربا، عملاً ویژگی‌های لازم برای اعمال سیاست‌های پولی را در اختیار سیستم بانکی و بالاخص بانک مرکزی قرار نمی‌دهد. وقتی این قانون به بخش پولی کشور تحمیل شد،

راه‌حل اساسی اصلاح سیستم بانکی، فعال‌شدن همزمان بانک‌های داخلی و خارجی است.

زیرنویس‌ها

1) bijan_bidabad@msn.com<http://www.bidabad.com>

۲) پولیون بر این باورند که با کوچک و جایگزین شدن بخش خصوصی، به دلیل افزایش هزینه‌های دولت (Crowding - out Effect)، سیاست مالی تأثیر چندانی بر بخش واقعی، از جمله بر اشتغال و درآمد نخواهد داشت.

۳) بیدآباد، بیژن / ۱۳۸۳ / الگوی اقتصادسنجی کلان ایران / ویرایش پنجم / مستندات اصلی / پژوهشکده پولی و بانکی / بانک مرکزی ایران / اسفند ۱۳۸۳.

۴) جزییات این تحلیل‌ها در مستندات تفصیلی این بررسی درج شده است و در این مقاله به خلاصه‌ای از نتایج به دست آمده می‌پردازیم. نگاه کنید به: اثر کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی بر اقتصاد ایران (شبیه‌سازی الگوی اقتصادسنجی کلان ایران) / ۱۳۸۳.

5) <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8603040128>6) http://www.econews.ir/main1.asp?a_id=220427) <http://www.cbi.ir/showitem/3168/asp>

دیدگاه‌های بانک مرکزی در ارتباط با طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی.

8) <http://www.javannewspaper.com/1386/860230economy.htm#s279966>

9) Obsfeld-Rogoff Trilemma.

۱۰) بیژن بیدآباد، عبدالرضا هرسینی / تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وام‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستی‌های فقه متداول در کشف احکام شارخ / ۱۳۸۲ / http://www.geocities.com/bijan_bidabad/reba9.html

۱۱) بیژن بیدآباد، عبدالرضا هرسینی / شرکت سهامی بانک غیرربوی و بازبینی ماهیت ربوی و غیرربوی عملیات بانکی متداول / مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی نظریه اقتصاد اسلامی و عملکرد اقتصاد ایران / ۴-۳ دی ۱۳۸۲ / پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس / صفحات ۲۲۴-۱۹۳ / تهران.

۱۲) عملیات بانکداری الکترونیک سرعت دریافت و پرداخت‌ها در شبکه بانکی را افزایش می‌دهد، ولی ماهیت عملیات را از لحاظ شبهات ربوی آن تغییر نمی‌دهد. اگرچه برخی ابداعات مالی در بانکداری الکترونیک می‌تواند سبب تشدید ماهیت ربوی برخی از عملیات مالی گردد، ولی نباید گفت که بانکداری الکترونیکی تقصیری در ربوی یا غیرربوی کردن معاملات دارد. برای مثال، کارت‌های الکترونیک به دو دسته کارت‌های بدهی و اعتباری تقسیم می‌شوند. کارت‌های بدهی، کارت‌هایی هستند که مشتری با ارایه آنها می‌تواند حداکثر تا میزان سپرده خود برداشت داشته باشد، ولی در کارت‌های اعتباری، مشتری می‌تواند بیش از میزان سپرده خود پول از حساب برداشت نماید و با توجه به زمانی که حساب وی بدهکار است، بهره‌ای نیز به عنوان حق استفاده از اعتبار به حساب او منظور و از حسابش کسر می‌گردد. بدیهی است که این نوع فعالیت، سبب ورود نرخ بهره در محاسبه میزان بدهی وی از بابت این تسهیلات گردیده و ماهیت ربوی به این فعالیت می‌دهد و برای رفع آن هم باید مکانیسمی را ابداع کرد که مشتری و بانک در سود و زیان شریک باشند.

علی‌الحساب به مشتری اعلام می‌کنند. این رویه اگرچه نرخ بهره را به صورت قطعی تعیین نمی‌کند، ولی ماهیت مشارکت سپرده‌گذار در سود و زیان بانک همچنان رعایت نمی‌شود، چون وقتی سپرده‌گذار در سود و زیان بانک مشارکت خواهد داشت که سپرده او همچون سهام آن در یک شرکت سهامی ارزیابی شود. بنابراین، از این دید، گرچه نرخ بهره سپرده‌ها از قبل شرط نمی‌شود، ولی به دلیل آن که عملاً سپرده‌گذار در سود و زیان بانک به صورت معقول و قابل‌محاسبه مشارکت نمی‌کند، لذا سپرده‌گذاری‌ها در بانک‌ها وارد شبهه ربا می‌گردد. در بخش تسهیلات‌دهی نیز اکثر تسهیلات اعطاشده - به جز تسهیلاتی که تحت عقود قرض‌الحسنه پرداخت می‌گردد و مقدار آنها بسیار ناچیز است - در همه آنها نرخ بهره از پیش شرط می‌شود و چون نرخ بهره از پیش شرط و محاسبه می‌گردد، لذا موضوع وارد ربا می‌شود. بنابراین، عملیات سپرده‌گذاری و تسهیلات‌دهی در اکثر موارد در ایران دچار شبهه ریاست.

تشدید ربا در بانکداری خصوصی ایران با توجه به بالاتر بودن نرخ بهره، بیشتر بوده و بانک‌های خصوصی حتی روابط ظاهری عقود را نیز رعایت نمی‌کنند و به‌صراحت در شرط کردن نرخ بهره اصرار می‌ورزند. این موضوع ماهیت ربوی فعالیت مالی آنها را تشدید می‌کند. در اصلاح قانون بانکداری بدون ربا، در درجه اول، باید تعریف قطعی ربا طرح و بررسی شود؛ دوم، براساس این تعریف، باید تمام عملیات بانکی، حساب‌ها و خدمات مالی بانکی از لحاظ ماهیت ربوی و غیرربوی تحلیل و حیثه فعالیت‌های غیرربوی و مجاز و همچنین فعالیت‌های ربوی و ممنوع مشخص شود؛ سوم آنکه، مکانیسم مشارکت در سود و زیان باید در فعالیت‌های بانک‌ها - هم در سمت سپرده‌گذاری و هم در سمت تسهیلات‌دهی - لزوماً باید تصریح شود. از طرفی دیگر، ساختار حقوقی بانک‌ها از لحاظ این که سپرده‌گذار باید به نحوی به عنوان سهامدار بانک تلقی گردد نیز باید در قانون جدید درمناظر قرار گیرد و تمام عملیات مالی از لحاظ مکانیسم‌های دریافت و پرداخت با نگاه رفع شبهه ربوی اصلاح شوند. در این راستا ساختار مالکیت بانک‌ها و ورود و خروج بنگاه‌های مالی به بخش بانکداری - اعم از بانک‌های خارجی، داخلی، موسسات مالی و اعتباری، قرض‌الحسنه‌ها و... - باید به صورت صحیح و روان پیش‌بینی شود و نمودهای استفاده از بانکداری الکترونیک^(۱۲) در این قانون تحلیل و تصریح گردد. همچنین باید قوانین مختلف پولشویی در ارتباط با عملیات دریافت و پرداخت‌ها مشخص شوند و به صورت مکمل درمناظر باشند.

لذا باید گفت که تحقق کلیه اقدامات اخیر در اصلاح شبکه بانکی کشور، می‌تواند با اهرم کاهش نرخ بهره به اجرا نزدیکتر گردد.

مسئلاً قانون عملیات بانکی بدون ربا، با نیت مبارزه با ربا طراحی و تصویب شد، ولی تنها با "نیت" نمی‌توان عملکرد پولی یک کشور را اصلاح کرد.